

شرح ماه نورا

به واقع، بارگاه های ائمه طاهرين عليه السلام و امامزادگان بزرگوار، همانند ستاره های درخشانی در آسمان ایران زمین هستند که گرفتاران را نوید گره گشایی و محبان و ولایتمداران را سرمست شمیم ولاء و دوستی با خاندان عترت عليه السلام می نمایند و یاد آباء و اجداد گرمی خود را زنده و مانا نگه می دارند.

۵ ذی القعدة
روز تجلیل از امامزادگان و بقاع متبرکه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

Alhamdulillah

ضریح های نورانی

۵ ذی القعدة

روز تجلیل از امامزادگان و بقاع متبرکه



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

اهدایی

ضریح های نورانی

۵ ذی القعدة - ویژه روز تجلیل از امامزادگان و بقاع متبرکه

تهیه و تنظیم و ناشر: مرکز فرهنگی پژوهشی
معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
نویسنده: رضا اخوی

قطع: پالتویی

نوبت انتشار: تابستان ۱۳۹۴

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سیدعلی،

مجتمع فرهنگی آموزشی

فکس: ۰۲۵۳۸۱۸۷۱۵۶

تلفن: ۰۲۵۳۸۱۸۷۱۶۹

غیرقابل فروش

فهرست

۹	دیداری متفاوت
۳۱	سه گام برای شروع
۱۲	ستاره های غریب
۳۴	برکات حضور
۱۶	وظایف ما
۹۷	آفات زیارت
۷۸	مخالفان زیارت
۱۰۱	کتابنامه

پیشگفتار

به هر کجای سرزمین ایران که قدم بگذاریم، حس و حال آشنایی در وجودمان به جوشش می افتد و مغناطیس قلبمان، ما را به میهمانی فرد عزیز و گرانبگری فرامی خواند که بی هیچ توقع و منتی، به یاری و کمک مامی شتابد و رنگ و بوی زندگی را معطر به عطر صفا، معنویت و دلدادگی به پروردگار و برگزیدگان درگاه الهی می نماید.

به واقع، بارگاه های ائمه طاهریین علیهم السلام و امامزادگان بزرگوار، همانند ستاره های درخشان در آسمان ایران زمین هستند که گرفتاران را نوید گره گشایی و محبان و ولایت مداران را سرمست شمیم ولاء و دوستی با خاندان عترت علیهم السلام می نمایند و یاد آباء و اجداد گرامی خود را زنده و مانا نگه می دارند.

این گرایش قلبی که با عاطفه و احساس شیرین و لذت بخش معنوی همراه است، نمایانگری یکی از زیباترین مبانی فکری شیعه، یعنی تولی و مهرورزی به دوستان خدا و تبری و بیزاری جستن از دشمنان خدا و اهل بیت علیهم السلام است که جلوه ای از آن، با زیارت قبور اولیای الهی و تبرک جستن به آثار و مقابر شریف آن بزرگواران، به نمایش در می آید.

در این نوشتار، ضمن اشاره به برخی پیش نیازهای زیارت، مسئله چرایی و گستردگی امامزادگان در ایران اسلامی مورد واکاوی قرار گرفته، به وظایف زائران و دوستداران ایشان اشاره‌هایی شده است. همچنین، آفات این سفر نورانی پیش چشم زائران گرانقدر قرار گرفته تا با کنار زدن این آفتها، زیارتی مالا مال عشق و دلدادگی به انجام برسانند و با توشه‌ای از معنویت و سبکبار از غمها و گناهان، به دیار خویش بازگردند. *إن شاء الله.*

دیداری متفاوت



پرده اول:



زیارت، در لغت به معنای دیدار و سر زدن است؛ اما دیداری است متفاوت و تحول آفرین. از این رو گفته‌اند: زیارت اگرچه دیدار است، ولی این دیدار، مفهومی نهان با خود به همراه دارد که همان رویگردانی از جانبی و گرایش به جانب دیگر است؛ در واقع هرگاه فرد به قصد دیداری میرود، در واقع از دیگر [امیدواریها و وابستگیها] برگشته است.^۱

در واقع: زیارت، پیوند قلبی بین زائر و مزور و به سوی دیار یار رفتن و حدیث آشنایی به حضور دوست بردن، قرار گرفتن در قدمگاه فرشتگان الهی و معطر شدن به عطر ناب معنویت و پاکی است.

زیارت؛ قدم گذاردن در حوزه اشراقات الهی و غوطه ور شدن در دریای رحمت و فیض رحمانی است و به دیدار جمال یار مشرف شدن و آئینه تمام نمای خدا را دیدن است.

زیارت، واسطه قرار دادن مقربان و آبرومندان درگاه الهی برای کسب فیض،^۲ اعلام وفاداری و اعلان محبت، دلدادگی و دلباختگی به اولیای الهی و پاسخی است به ندای قرآن، برای قرار گرفتن در مدار

۱. مقایس اللغه، ابن فارس، ج ۳، ص ۳۶.

۲. اللهم انی لا اجد سبیلا الیک سواهم؛ بارالها جز راه اهل بیت طریقی به سوی تو نمیابم. المزار، مشهدی، ص ۷۱.

مودت اهل بیت علیهم السلام

در اصطلاح دینی هم زیارت تمایلی است که افزون بر میل و حرکت حسی، قلب هم گرایش جدی پیدا کرده و نسبت به مزور (زیارت شونده) با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی همراه باشد.^۲

استاد شهید مطهری نیز، زیارت را فراتر از رابطه دیداری زنده های مادی دانسته و می فرماید: در مذهب، با اولیاء الله از دنیا رفته هم چنین عمل می شود که با زنده، بلکه زنده تر از زنده های معمولی. چون در آن واحد هزارها نفر با او سخن می گویند و درود می فرستند و در عالم ضمیر خود یک ارتباط واقعی برقرار می کنند. به طور کلی بزرگان و خدمتگزاران پس از مرگشان به نوعی تجلیل می شوند، ولی تجلیل غیر دینی صرفاً جنبه اعتباری و تشریفاتی دارد، در حقیقت نوعی تلاعب (بازی و سرگرمی) است...؛ [مانند «زنده یاد» نوشتن برای به یاد ماندن و جود ذهنی یک شخصیت، و] از این قبیل است دسته گل نثار قبر کردن، یک دقیقه سکوت کردن، از برابر عکسش رژه رفتن.^۳

۱. قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى. سوره شوری، آیه ۲۳.

۲. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۰۵. واژه زور.

۳. یادداشت های استاد مطهری، ج ۵، ص ۴۱۳ و ۴۱۴.

سه گام برای شروع



پرده دوم:



برای رفتن نزد مقربان الهی و آبرومندان درگاه خداوند، لازم است یکسری پیش زمینه ها و مقدمات فراهم آید تا زائر بهره و نصیب کاملی از این دیدار معنوی حاصل گرداند و با توشه ای از ایمان و نشاط معنوی باز گردد. برخی از اساسی ترین این پیش نیازها عبارتند از:

گام اول: او را بشناس

اساس حرکات و واکنشهای انسان، به نوع فکر، بینش و شناخت او وابسته است. این اصل، مهمترین نکته در باب زیارت است که مقدار بهره و نصیب انسان زائر از اسفر زیارتی را تعیین خواهد نمود. انسانی که قصد زیارت اماکن مقدسه و قبور و الاقدران روزگار و وابستگان به خاندان عترت علیهم السلام را دارد، لازم است با ظرافت و دقت بیشتری به این سفر بنگرد و بداند که به دیدار چه کسی می رود و با چه کسی سخن خواهد گفت.

بر این باور، یکی از واژه های پر کاربرد در زیارتنامه ها و نیز روایاتی که در باب فضائل زیارت وارد شده است، کلمه «عارفاً بِحَقِّهِ» است. بزَنطی -یکی از یاران حضرت رضا علیه السلام- می گوید: در نامه امام رضا علیه السلام خواندم که فرمود: «أبلغ شیعتی إن زیارتی تعدل عند الله عز وجل ألف حجّه؛ این پیام را به شیعیان ما برسانید که زیارت من در پیشگاه الهی با هزار حج برابر می کند. تعجب کردم، از این رو به امام

جواد علیه السلام عرض کردم: واقعاً با هزار حج برابری می کند؟ فرمود: «أی والله ألف ألف حجة لمن زاره عارفاً بحقه؛ آری، به خدا سوگند! با هزار هزار (یک میلیون) حج برابری می کند، اما برای کسی که با معرفت زیارتش کند»^۱.

امام رضا علیه السلام همچنین درباره فضیلت زیارت حضرت معصومه علیها السلام فرمودند: «مَنْ زَارَهَا عَارِفاً بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ کسی که فاطمه معصومه را زیارت کند، در حالی که حق او را بشناسد، بهشت برای او است»^۲.

انسان مؤمن و عارف به حقیقت ولایت و مقام آن بزرگان، وقتی به محضر اولیا الهی مشرف می شود، با توجه به شناختی که به مقام بلند آنان دارد، دل و دین را یکجا به حضرتش سپرده، به بیشترین فیض ممکن خواهد رسید.

در نقطه مقابل، کسانی هستند که بهره اصلی زیارتشان را تفریح و دیدنیهای مزار تشکیل می دهد و چنان غرق ظاهر و نوع ترینات و جمالات و منقوشات روی در و دیوار حرما می شوند که از فرد زیارت شونده و اصل زیارت، به کلی غافل می گردند.

از آیه الله العظمی بهجت (رحمة الله علیه) نقل شده است که در منطقه «جاسب» قم، گروهی از زائران امام هشتم علیه السلام هنگام مراجعت از مشهد به پیرمردی برخورد می کنند که در گرمای روز، کوله باری از علف به دوش می کشد. جمعیت با شماتت و سرزنش می گویند: پیرمرد! زحمت دنیا را ول کن نیستی! آخر بیا تو هم لا اقل یک بار به مشهد مقدس سفر کن! و این سخن را تکرار و او را بسیار توبیخ می کنند. پیرمرد خسته و پاک دل زبان می گشاید و می گوید: شما که به

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۴۴.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۶.

زیارت آقا رفتید و به آقا سلام دادید، جواب گرفتید یا نه؟ می گویند: پیرمرد! این چه سخنی است که می گویی! مگر آقا زنده است، سلام ما را جواب بدهد! پیرمرد می گوید: عزیزان! امام که زنده و مرده ندارد؛ ما را می بیند و سخنان ما را می شنود؛ زیارت که یک طرفه نمی شود. آنان می گویند: آیا تو این عرضه را داری؟ وی می گوید: آری! و از همان جا رو به سمت مشهد مقدس می کند و می گوید: «السَّلَامُ عَلَیْكَ یا امام هشتم» و همه با کمال صراحت می شنوند که به آن پیرمرد به نام خطاب می شود که: «عَلَیْكُمْ السَّلَامُ آقَا فِلَانِی» و بدین ترتیب زائران همگی خجالت کشیده، پشیمان می شوند که چرا سبب دلشکستگی این مرد نورانی را فراهم آوردند.^۱

همه این برکات، زمانی حاصل خواهد شد که زائر نسبت به زیارت شونده شناخت و معرفت کافی و لازم را به دست آورده باشد و با خلوص و پاکی جسم و جان، به درگاه آنان عرض ارادت نماید. لذا در آداب زیارت وارد شده است که: «وَاحْشَع لِرَبِّكَ وَابْكَ فَإِنَّ خَشَعَ قَلْبُكَ وَدَمَعَتْ عَیْنَاكَ فَهُوَ عِلْمَةُ الْقَبُولِ وَالْإِذْنِ؛ برای پروردگارت خشوع و گریه کن. پس اگر قلبت خاشع و چشمانت اشکبار گردید، پس آن علامت قبول و اذن است».^۲

گام دوم: عاشق باش و شوریده

عاشقی که سر در هوای محبوب داشته باشد، برای رسیدن به او بیقراری نموده، منتظر فرصتی است تا خود را به کوی او برساند. زائر هم باید عاشق باشد و دلباخته کوی دوست تا توفیق زیارت و عشق و شوری در او پدید آید که سختی ها و مشکلات را به جان خریده، عازم دیار دوست شود.

۱. کیمیای محبت، ص ۱۸۲ - ۱۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۱.

لذا گفته اند: آنکه عشق و شوق داشته باشد، به زیارت هم می رود؛ زیرا ممکن نیست کسی عاشق خدا و دوستدار پیامبر ﷺ و اهل بیت  امامزادگان، و مُحَبِّ صالحین، صدیقین، شهدا و اولیاء الله باشد و شوق دیدار مزار و مرقد معشوق را نداشته باشد و برای دیدار مزار ائمه و قبور صالحین و امامزادگان، لحظه شماری ننماید!

برای عاشق، نه تنها خود محبوب دیدنی و خواستنی است، بلکه هر چیزی هم که به گونه ای رنگ تعلق و رایحه انتساب به او را داشته باشد، مطلوب و جاذبه دار است و دلداده را به سوی خود می کشاند؛ لذاست که زائر مشتاقانه خود را به حرم رسانده، بر بارگاه و ضریح مقدس تبرک جسته، بر آن بوسه می زند.

این شعر منسوب به مجنون است که درباره لیلی سروده است:

أَمْرٌ عَلَى الدِّيَارِ، دِيَارِ لَيْلَى أَقْبَلُ ذَا الْجِدَارِ وَ ذَا الْجِدَارِ

و مَا حُبِّ الدِّيَارِ شَغَفَنَ قَلْبِي وَ لَكِنْ حُبُّ مَنْ سَكَنَ الدِّيَارِ

یعنی از دیار لیلی می گذرم، همه دیوارها را می بوسم، علاقه به دیار لیلی دلم را تسخیر نکرده است، بلکه آن کسی که در آن سکونت دارد، مرا مفتون خود ساخته است.^۱

گام سوم: جاروب کن خانه را

از دیگر مقدمات و پیش نیازهای لازم برای زیارت رعایت برخی آداب است که از مهمترین آنها، طهارت و پاکی درون و بیرون است. پاکی ظاهر همان داشتن وضو و پوشیدن لباسهای لباس پاک و معطر و آراستگی ظاهر است؛ و پاکی درون، تلاش برای ایجاد سنخیت و نزدیکی درونی با آنان از راههایی همچون دوری از گناه، پوشش مناسب و حفظ حجاب، پاک چشمی و دوری نگاه حرام و مانند آن

۱. الغدير، ج ۵، ص ۱۵۱.

است.

اگر به واقع خواستار اثرگذاری زیارت هستیم و اگر صادقانه باور داریم که آن بزرگواران زنده بوده و زائر خود را مشاهده می‌کنند، باید از ناپاک و آلودگی دوری کرده و با روح و جسمی مطهر و آماده دریافت فیوضات این بزرگواران، گام در صحن و سرای مقدس آنان بگذاریم. ابی‌بصیر از شاگردان امام صادق علیه السلام می‌گوید که وارد مدینه شدم. نیاز به غسل داشتم. در حال رفتن به حمام بودم که در بین راه به عده‌ای برخورد کردم که قصد زیارت امام صادق علیه السلام را داشتند. با خود گفتم: «مبادا فیض زیارت را از دست بدهم و دیگران در این فیض از من سبقت بگیرند». بدون آنکه غسل کنم همراه آنها راهی خانه امام شدم. هنگامی که نگاه امام به من افتاد فرمود: «ای ابابصیر نمی‌دانی که انسان جُنُب نباید به خانه انبیا و فرزندان انبیا قدم نهد»^۱.

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه سپس مهمان طلب

۱. ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۸۵.

سنتاره‌های غیرپز



پرده‌سوم:



چرای هجرت

یکی از مباحثی که آگاهی از آن باعث افزایش معرفت و محبت زائر می گردد، دانستن چرای حجم گسترده حضور امامزادگان در ایران است. در گوشه و کنار ایران و در بیشتر نقاط کشور، شاهد قُبه امامزاده ای هستیم که بیشتر آنها از ذریه پاک ائمه اثنی عشر و از خاندان پیامبر ﷺ می باشند که به دلایل گوناگون، از وطن اصلی خود کوچ کرده و به سرزمین دیگری رفته اند.

در این فرصت به برخی از دلایل آن اشاره گذرایی خواهیم داشت، تا به پاسخ چرای حضور و نیز علل فراوانی این امامزادگان در ایران دست یابیم و با شناخت و معرفتی که پیدا خواهیم کرد، بیش از گذشته، قدردان آنان باشیم و مقام والای آنان را ارج نهیم. ان شاء الله

۱. فضای ناامن برای سادات و فرزندان اهل بیت ﷺ

تاریخ به روشنی گویای این واقعیت است که بنی امیه که از آنان به عنوان «شجره خبیثه» در قرآن یاد شده است،^۱ همواره مخالف و دشمن سرسخت اهل بیت ﷺ بوده اند و هر زمان اندک مجال می یافتند و قدرتی به دست می آوردند، سختترین فشارها و بدترین نوع فجایع را

۱ خداوند در سوره اسراء، آیه ۶۰ می فرماید: «وَ اذْ قُلْنَا لَكَ اِنَّ رَبَّكَ اِحْطٰ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي اَرٰىكَ اِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِى الْقُرْآنِ وَ نَحْوْفِهِمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ اِلَّا طغْيَانًا كَبِيرًا». این آیه زمانی نازل شد که پیامبر صلی الله علیه و اله در خواب دید انسانها بوزینه وار بر منیرش بالا می روند و لذا از آن ناخرسند شد و شدیداً غمگین گشت، پس خداوند آیه «و ما جعلنا الرؤیا الّتی...» را نازل فرمود و اینان همان بنی امیه می باشند که پس از رحلت حضرت، خلافت را غصب نموده، بدترین ظلمها را مرتکب شدند. نک: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۰؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۸۰؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۴۱۱؛ تفسیر القمّی، ج ۱، ص ۴۱۲-۴۱۱؛ الدر المنثور، ج ۵، ص ۳۱۰.

در حق خاندان وحی و رسالت و وابستگان و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام انجام میدادند.

محبت علی علیه السلام، بدترین جرم تاریخ

اگرچه پرداختن علمی و تفصیلی به این بحث خارج از حوصله و نیاز این نوشتار است، اما ضروری است برای آشنایی با فضای موجود در آن برهه از تاریخ، برخی از جنایات که دشمنان دین خدا در حق خاندان عصمت و طهارت و ذریه پاک پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام روا داشتند، اشاره کنیم و صفحاتی از تاریخ تلخ و دردناک آنان را بازگو نماییم، تا دریابیم که افزون بر جنایات و ظلم و ستمهایی که بر دختر پیامبر حضرت زهرا (سلام الله علیها)، حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و دیگر امامان معصوم و مظلوم شیعه وارد ساختند، چه جنایات وحشتناکی درباره سادات، علویون و وابستگان ایشان انجام دادند، به گونه ای که می توان به صراحت بیان کرد که محبت علی علیه السلام، بدترین جرم تاریخ و وابستگی و انتساب به ایشان، گناهی نابخشودنی در نگاه حاکمان ظالم آن دوران به شمار می آمد.

به عنوان نمونه، وقتی «زیاد بن ابیه»، «سَمْرَةَ بِنِ جُنْدَب» را به جای خود در بصره گذاشت، در طول شش ماه، هشتاد هزار نفر از دوستان علی علیه السلام را کشتند. جرم آنان فقط دوستی علی بن ابی طالب بود.^۱

یامعاویه در بخشنامه ای نوشت: «أَنْظَرُوا إِلَى مَنْ قَامَتْ عَلَيْهِ الْبَيْتَةُ أَنَّهُ يُحِبُّ عَلِيًّا وَأَهْلَ بَيْتِهِ فَأَمْحُوهُ مِنَ الدِّيْوَانِ وَاسْقَطُوا اعْطَائَهُ وَرِزْقَهُ؛ هر که را که ثابت شد از دوستان و شیعیان علی و اولاد او است، اسم او را

از دیوان قلم بکشید و حقوق و مزایای او را قطع کنید».^۲

۱. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۲۹.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۴۵.

سختگیرهای حاکمان و نیز تبلیغات مسموم بر ضد حضرت علی علیه السلام و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله اوضاع را به گونه ای سخت و طاقت فرسا کرده بود که کسی جرأت نداشت نام فرزند خود را «علی» بگذارد و حتی بنی امیه قانونی وضع کردند که اگر فرزندی در حکومت اسلامی به دنیا آمد و اسم او را «علی» گذاشتند، نوزاد را بکشند.^۱

اوضاع به گونه ای بود که برخی افراد از همنامی با مولای متقیان علیه السلام، احساس ناخوشایند داشته، آن را لکه ننگی برای خود به شمار می آوردند. می گویند شخصی به نام «علی بن جهم»، پدرش را لعن و نفرین می کرد که چرا اسمش را «علی» گذاشته است!^۲

صفحاتی از تاریخ

خشونت‌ها و ظلم و ستم‌های باور نکردنی آن دوران به گونه ای بود که مطالعه ظلم‌های روا داشته شده بر مردم و به ویژه شیعیان و منتسبان به خاندان وحی و رسالت، ترسیم کننده چرایی هجرت سادات و امامزادگان به دیگر مناطق و از جمله ایران است. به عنوان مثال: «سُفیانِ بِنِ عَوْفِ غامِدی» از طرف معاویه با لشکری مجهز به طرف فرات هجوم برد و با این حمله و حشیانه، چنان به پیروان علی علیه السلام حمله ور شد که خانه ها و کوچه ها را از کشتگان مملو ساخت.^۳

همچنین «بُسْرِ بِنِ اِرطات» در هجوم و حشیانه خود به مدینه، حدود سی هزار نفر را کشته و عده ای را با آتش سوزاند، خانه های زیادی را ویران نمود و دختران بسیاری از ناحیه سپاه او مورد تجاوز قرار گرفتند.^۴

۱. «کان بنو امیه اذا سمعوا بملود اسمه علی قتلوه». الغدير، علامه امینی، ج ۱۰، ص ۲۸۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۲۸۱.

۲. «کان یلعن اباہ، لم سمّاه علیاً». لسان المیزان، ج ۴، ص ۲۱۰.

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۴۴ طبع قدیم؛ الامام علی علیه السلام، احمد رحمانی همدانی، ص ۹۱۵.

۴. الغدير، ج ۱۱، ص ۲۸؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۷؛ الغارات، تقفی، ج ۲، ص ۴۶۰.

جُرم آنان، شیعه بودن، محبت علی علیه السلام در دل داشتن و انتساب به علی علیه السلام و زهراء علیها السلام بود؛ قانونی رسمی که اعلام کردند: «أَقْتُلُ شِيعَةَ عَلِيٍّ حَيْثُ كَانُوا؛ هر جا از شیعیان علی علیه السلام دیدی، او را بکش»^۱.

آل علی علیهم السلام، آل مظلومان

در آن زمان، کوفه مرکز تجمع شیعیان بود. عبد الملک مروان به قصد ریشه کن کردن تشیع از کوفه، «حجاج» که فردی خونریز، بی رحم و ضد شیعه بود را به آنجا فرستاد.

امام محمد باقر علیه السلام در ترسیم فضای شیعیان آن دوران فرمود: «شیعیان ما را در هر شهری به دست می آوردند، میکشتمند و دست و پاها را به گمان شیعه بودن، قطع میکردند و کسی که نامش به دوستی ما آشکار میشد، زندانی میشد و یا اینکه مالش غارت شده و یا اینکه خانه او خراب میگردد. این بلاها روز به روز شدت پیدا میکرد و تا زمان عبیدالله بن زیاد که امام حسین علیه السلام را کشت، ادامه داشت.

امام باقر علیه السلام سخنان خود را چنین ادامه دادند: «ثُمَّ جَاءَ الْحَجَّاجُ فَقَتَلَهُمْ - يَعْنِي الشَّيْعَةَ - كُلَّ قَتْلَةٍ، وَأَخَذَهُمْ بِكُلِّ ظَنَّةٍ وَ تَهْمَةٍ، حَتَّىٰ إِنْ الرَّجُلُ لَيُقَالُ لَهُ زَنْدِيقٌ أَوْ كَافِرٌ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُقَالَ لَهُ شِيعَةٌ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ پس از آن «حجاج [بن یوسف ثقفی] آمد و شیعیان را میکشت و به گمان و تهمت شیعه بودن، زندانی و شکنجه میکرد. آن قدر وضع شیعه و دوستان اهل بیت علیهم السلام خطرناک بود که اگر به کسی میگفتند: تو کافر هستی، بهتر دوست میداشت تا اینکه به او بگویند شیعه علی علیه السلام هستی»^۲.

«حجاج» نه تنها شیعیان امیر مؤمنان علیه السلام همانند «سعید بن جبیر»

۱. شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۶.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۴۳.

و «کمیل بن زیاد» را به شهادت رساند، بلکه به گفته مورخان، تعداد کسانی که در مدت بیست سال فرمانروایی حجاج باشمشیر دژخیمان وی یا زیر شکنجه جان سپردند، صد و بیست هزار نفر بود! و تازه این عده غیر از کسانی بودند که ضمن جنگ با حجاج به دست نیروهای او کشته شدند.

هنگام مرگ حجاج، در زندان مشهور وی (که از شنیدن نام آن لرزه بر اندامها می افتاد) پنجاه هزار مرد و سی هزار زن زندانی بودند که شانزده هزار نفر آنها عریان و بی لباس بودند! حجاج، زنان و مردان را یک جا زندانی می کرد و زندانهای وی بدون سقف بود از این رو زندانیان از گرمای تابستان و سرما و باران زمستان در امان نبودند.^۱

شهادت غلام حضرت علی علیه السلام

قنبر، غلام حضرت علی علیه السلام، از جمله کسانی است که به دست حجاج به شهادت رسید. حجاج، به بعضی از نزدیکان خود می گوید: دوست دارم به یکی از اصحاب و یاران ابوتراب علی علیه السلام دست پیدا کنم. به او گفتند: ما از قنبر کسی را به علی علیه السلام نزدیکتر نمی دانیم. حجاج، کسی را به دنبال او فرستاد و او را نزد حجاج آورد، حجاج به او گفت، تو قنبری؟ گفت: آری! حجاج گفت: از دین علی تبرّی بجو! قنبر گفت آیا تو می توانی مرا به بهتر از دین علی علیه السلام راهنمایی کنی؟

حجاج گفت: من تو را خواهم کشت. کدام قتلی برای تو محبوب تر است، آن را انتخاب نما!

قنبر در جواب گفت، مرا امیرالمؤمنین خبر داده است که بی گناه،

۱. مروج الذهب، مسعودی، ج ۳، ص ۱۶۶ و ۱۶۷؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۲۴۹.

ذبح خواهم شد. حجاج نیز، دستور داد تا سر او را مانند گوسفند از تن جدا نمایند.^۱

در هر حال، حجاج در مدت فرمانداری خود، بسیاری از شیعیان و اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام را به شهادت رسانید و تعداد بسیاری را نیز زندانی و شکنجه نمود. دشمنی او با اهل بیت علیهم السلام و شیعیان به گونه ای بود که می گویند او دستور می داد موقع غذا خوردن، شیعیان را در کنار سفره او، مقابل چشمش سر ببرند و آهن قرمز شده ای را به جای رگهای بریده گردن آنها بگذارند، تا خون قطع شود و بدنها در اثر قطع شدن خون، بالا و پایین روند و آن ملعون غذا بخورد و لذت برد!

دوره جدید آزار و شکنجه

آنچه گفته شد، تنها گوشه هایی از قساوتها و شقاوتهای بنی امیه در حق اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام بود که تاریخ توانسته ثبت و ضبط نماید. در هر صورت، هنوز مفاسد، فجایع و مظالم دودمان منحوس بنی امیه تمام نشده بود که نوبت ریاست «بنی عباس» فرارسید.

در این دوره نیز آل علی علیه السلام همواره در زجر و حبس به سر برده و اولاد فاطمه زهرا علیها السلام از محل سکونت خویش مهجور و تبعید گردیده و مسموم یا مقتول می گشتند. به عنوان مثال، در دوران خلافت «منصور دوانیقی»، وی عده ای از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام را دستگیر کرد و دستور داد آنان را با غل و زنجیر داخل کجاوه های بدون سرپوش و فاقد فرش سوار کنند، سپس این بزرگان را در زیر زمینی حبس نمودند که در آن تشخیص شب از روز امکان پذیر نبود و این محبوس شدگان، ناگزیر قرآن را. پنج قسمت کرده و بعد از خواندن

۱. الشیعه والحاکمون، ص ۹۵، به نقل از شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ص ۵۷-۹۲.

یک قسمت از آن، یکی از نمازهای پنجگانه را اقامه می نمودند. این ذراری رسول اکرم ﷺ در شرایط بسیار ناگوار سیاهچالها از شدت بیماری، گرسنگی و تشنگی جان می دادند.

شهادت جوان هاشمی

منصور به اعتراف خودش، متجاوز از هزار نفر از اولاد علی علیه السلام را کشت و تعداد شیعیانی که به قتل رسانیده، به حساب نیامده است. او در یکی از رفتارهای خود با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی از اولاد امام حسن علیه السلام را احضار کرد و فرمان داد لباسهای او را پاره کرده و ۱۵۰ تازیانه بر وی زدند که یکی از آنها بر چشم این جوان هاشمی خورد و آن را از جا کند و بر صورتش آویخت، سرانجام این سید بزرگوار به شهادت رسید.^۱

داستانی از جنایات هارون الرشید

هنگامی که هارون الرشید بر مسند خلافت تکیه زد، سیاستش نسبت به فرزندان علی علیه السلام و پیروانش این بود که فرزندی از علی علیه السلام روی زمین باقی نماند. حمید بن قحطبه می گوید: وقتی که هارون در طوس بود شبی مرا خواست. وقتی نزد او رفتم دیدم شمعی نزد او می سوزد و شمشیر برهنه‌ای نزد اوست و خادمی در کنارش. وقتی مرا دید گفت: چگونه است اطاعت تو از من؟ گفتم: به جان و مال تو را اطاعت می کنم. لحظاتی سر به زیر انداخت و به من اجازه برگشتن داد. وقتی به خانه رسیدم دوباره پیک او به دنبال آمد و من نزد خلیفه برگشتم. باز پرسید چگونه است اطاعت تو؟ گفتم: فرمانبردار تو از جان و مال و زن و فرزند هستم. او تبسمی کرد و اجازه مرخصی داد.

۱. مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۳۰۳؛ شیعه و زمامداران خودسر، محمد جواد مغنیه، ص ۱۷؛ عقد الفرید، قرطبی، ج ۱، ص ۴۱.

تا داخل خانه شدم باز فرستاده‌اش مرا خواست. نزد او رفتم: پرسید اطاعت تو از ما چه اندازه است؟ گفتم: تورا اطاعت می‌کنم در جان و مال و زن و فرزند و دین خود.

او تا این پاسخ را شنید خندید و گفت: این شمشیر را بگیر و به آنچه این خادم گفت، عمل کن.

خادم شمشیر را به من داد و مرا به خانه‌ای آورد و قفل را باز کرد. وقتی داخل شدیم، چاهی دیدم که در صحن خانه کنده اند. سه اتاق در بسته هم آنجا بود در یکی را باز کرد، دیدم بیست نفر از پیران و جوانان و کودکان که گسیوها و کاکل‌ها داشتند [نشانه سیادت] همه در بند و زنجیر هستند و همه از فرزندان امیر مؤمنان علیه السلام و فاطمه علیه السلام هستند. آن خادم گفت: که خلیفه از تو خواسته اینها را گردن بزنی. پس یک یک را بیرون می‌آورد و من در کنار چاه ایشان را گردن می‌زدم تا آنکه همه را گردن زدم و او سرها و بدن‌ها را در چاه انداخت. آن گاه در اتاق دوم را گشود، آن جانیز بیست نفر بودند، آنها را هم گردن زدم. در اتاق سوم هم بیست نفر بودند، آنها را هم کشتم تا این که نوبت نفر بیستم شد، مرد پیری بود. گفت: دستت بریده بادای ملعون! چه عذر خواهی داشت نزد جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی از تو پرسد چرا شصت نفر از فرزندان بی گناه مرا کشتی؟ تا این سخن را شنیدم بر خود لرزیدم خادم پیش آمد و فریاد زد که چرا معطلی؟! من او را نیز گردن زدم!

بنابر این، وجه مشترک فرمانروایان بنی عباس بانی امیه، سختگیری، شکنجه و قتل اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام بود و آنان نیز علاوه بر به شهادت رساندن امامان علیهم السلام و جانشینان راستین رسول اکرم صلی الله علیه و آله قیامهای سادات و علویان را که با هدف مبارزه با ستم، نهی از منکر و ترویج

۱. عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۰۰.

فضیلت صورت می گرفت، به شدیدترین وجه سرکوب نمودند و فرزندان و نوادگان و اصحاب ائمه بزرگوار را در بدترین سیاهچالها محبوس ساخته، آنان را با شکنجه و آزارهای دیگر شهید نموده و بسیاری از آنان را نیز تبعید نمودند.^۱

مجموعه این حوادث تلخ و جانکاه، باعث هجرت بسیاری از امامزادگان به دیگر مناطق و از جمله ایران گردید.

۲. امنیت مناطق ایران

بر اثر مظالم و فجایع نامحدود و گسترده عباسیان و پیش از آنها امویان - که بخش هایی از آنها در صفحات پیشین اشاره شد - دودمان شریف نبوی و سادات عظام، آنهایی که توانستند جان به سلامت بدر ببرند، پنهانی و در تاریکی شبها خود را از مقر خلافت دور می کردند و به طور ناشناس، به اطراف کشور اسلامی پراکنده می گردیدند.

در این میان، جغرافیای خاص مناطق مختلف ایران و نیز به دلیل دور بودن ایران از دسترس حکومتها، باعث مهاجرت آن بزرگواران بدین مناطق شد.

۳. ایرانیان؛ شیفتگان اهل بیت علیهم السلام

شاید اصلی ترین عاملی که امامزادگان را به هجرت به سوی ایران کشاند، حُسن ظن و تعریف و تمجیدهایی بود که در مناسبتهای مختلف، در سیره و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله، امیر مؤمنان علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام بارها بیان و تکرار شده بود و پیشوایان دین و آباء و اجداد گرامی آنان، از ایرانیان به عنوان مردمی شیفته و محبّ اهل بیت علیهم السلام یاد کرده بودند و اینکه ایرانیان، علاوه بر ارادت قلبی و گرایش فطری به اهل بیت علیهم السلام

۱. نک: خط امامت و طوفانهای بنی عباس، نشریه مبلغان، ش ۱۷۳.

در آینده نیز نقش بسزایی در تاریخ اسلام، شناساندن حقانیت دین و دفاع از تشیع و زمینه سازی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام، در راستای تشکیل مدینه فاضله مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ایفا خواهند نمود.

این تمجید و ستایش از ایرانیان، مصداق عینی و روشنی نیز داشت؛ «روزبه» که بعد به «سلمان فارسی» تغییر نام داد، از اولین کسانی بود که در آغازین روزهای طلوع اسلام در جزیره العرب، خود را به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله رساند و در محضر ایشان، درجات کمال و معنویت را پیمود و به عنوان سربازی دلباخته و از شیعیان و محبین خالص علی علیه السلام، خود را وقف آیین اسلام و دفاع از حق و حقیقت نمود و در مراحل مختلف، منشا خدمات فراوان گردید.

سلمان در این راه آن قدر از خود لیاقت نشان داد، تا مدال افتخار «السلمان من أهل البیت» را به خود اختصاص داد و سلمان محمدی رضی الله عنه لقب گرفت.

از نسل سلمان

حضور «سلمان»، فرصت و بستر خوبی برای نشان دادن جایگاه ممتاز ایرانیان بود و پیامبر صلی الله علیه و آله در مناسبتهای گوناگون، بر شخصیت معنوی و تحول آفرین ایرانیان اشاره می نمودند. روزی اصحاب در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله نشستند و گفتند که این آیه نازل شد: «وَأَخْرَجْنَا مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...»؛ و دیگرانی که هنوز به آنان نپیوسته اند و خداوند شکست ناپذیر و داناست».^۲

اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! آن مردمی که خداوند درباره‌ی آنان

۱. سیره‌ی ابن هشام، ج ۲، ص ۲۲۴؛ سلمان فارسی، جعفر مرتضی، ص ۱۴.
۲. سوره جمعه، آیات ۳-۴.

وعده فرموده که بعداً به اسلام ملحق خواهند شد، چه کسانی هستند؟ حضرت، دست مبارکش را بر پشت سلمان فارسی گذاشت و فرمود: «آنان هموطنان سلمان هستند که اگر اسلام در آسمان و در ستاره‌ی ثریا باشد، مردمان قوم سلمان به آن ایمان خواهند آورد و بدان خواهند پیوست»^۱.

همچنین وقتی آیه‌ی «فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ؛ اگر آنان به اسلام و قرآن کافر شوند، ما آن را به قومی که بدان کافر نیستند واگذار می‌کنیم»^۲ نازل شد، اصحاب از رسول خدا ﷺ پرسیدند: آنها چه کسانی هستند؟

آن حضرت فرمود: «القوم بالشیعة أو اولاد العجم؛ شیعیان و فرزندان عجم [ایرانیان]»^۳.

نیز هنگام نزول آیه‌ی: «إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا؛ ای مردم! اگر به خدا ایمان نیاورید و تقوا پیشه نکنید، خداوند شمارا می‌برد و قوم دیگری را به جای شما می‌آورد [که مؤمن و پرهیزگارند] و خداوند بر هر چیز تواناست»^۴.

رسول خدا ﷺ در پاسخ اصحاب که یا رسول الله! آن قوم کهن چه کسانی هستند؟، فرمودند: «آنان قوم و مردم سلمان فارسی هستند که دین خدا را یاری می‌کنند و اسلام را در شرق و غرب عالم گسترش می‌دهند»^۵.

در روایتی دیگر، خاتم رسولان الهی فرمودند: «أَعْظَمُ النَّاسِ نَصِيبًا فِي الْإِسْلَامِ أَهْلُ الْفَارَسِ؛ نصیب و بهره ایرانیان در اسلام، از همه ملت

۱. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۹۲.

۲. سوره انعام، آیه ۸۹.

۳. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۳۰۹.

۴. سوره نساء، آیه ۱۳۳.

۵. تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۱۰۶.

های دیگر بیشتر است»^۱.

پیامبر ﷺ که به فرموده قرآن: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ؛ و (پیامبر) از روی هوا و هوس سخن نمی گوید»،^۲ به یقین، بر اساس شایستگی های ایرانیان به بیان چنین تمجیدهایی پرداخته و پس از ایشان نیز، محبت و احترام ائمه هدی علیهم السلام نسبت به شیعیان و مردم ایران ابراز گردیده است تا از این طریق، هم آنان را به عنوان دوستداران اهل بیت علیهم السلام معرفی نمایند و از سوی دیگر، به نقش آنان در ترویج اسلام حقیقی و پایه گذاری تمدن نوین اسلامی در آینده، اشاره نمایند.

این تعریف و تمجیدها در زبان مبارک دیگر معصومین علیهم السلام نیز جریان داشت و آنان نیز با دیده احترام و عزت به ایرانیان نگریسته و در وصف ایمان آنان، سخن گفته و به این نکته اشاره نموده اند که در آینده، پاره های تن اهل بیت علیهم السلام و فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در مناطق مختلف ایران به خاک سپرده خواهند شد و مزارشان مأمّن و ملجأ و محل زیارت آنان خواهد شد. از جمله این روایات، احادیثی است که درباره بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام، حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها)، شاه عبدالعظیم و مانند آن نقل شده است.

نگاهی به چند روایت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره شهادت امام رضا علیه السلام در ایران فرمود: «سَتُدْفَنُ بَصْعَةً مِّنِّي بِخُرَاسَانَ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ؛ به زودی پاره ای از تن من در خراسان دفن می شود، مؤمنی او را زیارت نمی کند، مگر آنکه بهشت برای او واجب و بدنش

۱. کنز العمال، متقی هندی، ج ۱۲، ص ۹۰، شماره ۳۴۱۲۶؛ میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج ۳، ص ۲۳۹۰.

۲. سوره نجم، آیه ۳.

بر آتش حرام می شود»^۱.

حضرت علی علیه السلام نیز به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سَتَدْفَنُ بَضْعَةَ مَنِّي بِخُرَّاسَانَ، مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرْبَهُ وَلَا مُذْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ؛ به زودی پاره تن من در سرزمین خراسان دفن می شود، هیچ غمگینی او را زیارت نمی کند جز آنکه غمش برطرف می شود، و گناهکاری او را زیارت نمی کند جز آنکه خداوند گناهان او را می بخشد»^۲.

روزی امام موسی کاظم علیه السلام در جمع فرزندان خود نشست بود که فرزندش [علی] که تازه جوانی بود، بر او گذر کرد. حضرت فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا يَمُوتُ فِي أَرْضِ غُرَبِيَّةٍ فَمَنْ زَارَهُ مُسْلِمًا لِأَمْرِهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَشْهَدَاءِ بَدْرٍ؛ به راستی این پسر من در سرزمین غربت از دنیا می رود، پس هر کسی او را زیارت کند، در حالی که تسلیم امامت او و آگاه به حق اوست، در نزد خدا اجر شهدای بدر را دارد»^۳.

آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله

در مورد حضرت معصومه علیها السلام و قم به عنوان پایگاه شیعیان و آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله نیز، روایات متعددی نقل شده است که به ذکر چند نمونه بسنده می نمایم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَلِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ، وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَلَنَا حَرَمًا وَهُوَ قُمْ وَسَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وُلْدِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ، مَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ؛ برای خدا حریمی است و آن مکه است و برای رسول خدا صلی الله

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۳۱، ح ۱؛ وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۴، ص ۵۵۵

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۵۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۳۳، ح ۱۰.

۳. کامل الزیارات، ابن قولویه، ج ۵، ص ۳۰۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۴۱، ح ۴۳؛ مستدرک الوسائل، میرزای توری، ج ۱۰، ص ۳۵۶.

علیه و آله حرمی است و آن مدینه است و برای امیر مؤمنان علیه السلام حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن قم است و به زودی زنی از فرزندان من در آنجا دفن می شود که نامش «فاطمه» است؛ هر کس او را زیارت کند، بهشت بر او واجب خواهد شد.^۱

آن حضرت همچنین فرمودند: «الْأَنْحَرَمِي وَ حَرَمَ وَ لِدِي بَعْدِي قَم؛ آگاه باشید که حرم و حرم فرزندان بعد از من قم است».^۲

نقل شده است که پنجاه سال پیش از تولد حضرت معصومه (سلام الله علیها)، گروهی از شیعیان ری خدمت امام صادق علیه السلام رفتند. حضرت با دیدن آنها فرمود: «آفرین بر برادران قمی ما».

گفتند: آقا، ما اهل ری هستیم.

امام باز به اهل قم آفرین گفت و فرمود: «برای خداوند حرمی است که مکه است. حرم رسول خدا، مدینه، حرم امیر مؤمنان کوفه و حرم من و فرزندانم قم است. آگاه باشید، بهشت هشت در دارد که سه در آن به سوی قم است. بانویی از فرزندان من در آن جا وفات میکند که نامش فاطمه دختر موسی است. همه شیعیان ما به شفاعت او، وارد بهشت می شوند».^۳

امام کاظم علیه السلام نیز درباره جایگاه و منزلت معنوی قم برای شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «قُمْ عَشْرُ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَاوَى شِيعَتِهِمْ؛ قم آشیانه آل محمد و جایگاه پیروان آنان است».^۴

ثامن الحجج، امام رضا علیه السلام نیز پیرامون خواهر گرامی خود فرمودند: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقُمْ كَمَنْ زَارْتِي؛ آنکه معصومه را در قم

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۵.

۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

۳. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۱۷.

۴. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸.

زیارت کند، گویا مرا زیارت کرده است»^۱.

و امام جواد علیه السلام فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ کسی که قبر عمه مرا در قم زیارت کند، بهشت برای او است»^۲.

مرا به قم ببرید!

با توجه به این گونه توصیفات، قم برای آل علی علیهم السلام محل امن و در زبان ائمه علیهم السلام، آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله و پناهگاه ایشان معرفی شده بود و از طرفی، قم از لحاظ موقعیت جغرافیائی آن زمان در محل دوردستی واقع بود که دست کمتر کسی به آنجا می رسید، لذا اکثر سادات به آنجا پناه می آوردند تا جایی که وجود ۴۴۴ امامزاده را در این شهر مقدس برشمرده‌اند.^۳

بر این باور، حمایت مردم از امامزادگان، علت کثرت و گسترده‌گی حضور ایشان در ایران است؛ همانگونه که در سال ۲۰۱ هجری قمری، یک سال پس از سفر تبعیدگونه امام رضا علیه السلام به شهر «مرو»، کریمه اهل بیت، حضرت معصومه علیها السلام همراه عده‌ای از برادران خود برای دیدار و تجدید عهد با امام زمان خویش به سوی دیار غربت راهی شدند.

هنگامی که کاروان به شهر «ساوه» رسیدند، عده‌ای از مخالفان اهل بیت علیهم السلام با ماموران حکومتی همراه شدند و آنان را مورد هجوم قرار دادند. در این هجوم کینه توزانه، عده‌ای از همراهان حضرت معصومه علیها السلام به شهادت رسیدند و خود حضرت بیمار شدند. در این هنگام پرسیدند: از این مکان تا قم چقدر راه است؟ پاسخ دادند: ده فرسنگ.

حضرت فرمودند: مرا به قم ببرید، چرا که از پدرم شنیدم «شهر قم،

۱. ریاحین الشریعة، ج ۵، ص ۳۵؛ ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۸.

۲. کامل الزیارات، ص ۳۲۴.

۳. ماهنامه کوثر، ش ۱۲، ص ۶۵ و ۶۶.

مرکز شیعیان ماست». آن گاه حضرت را به طرف قم حرکت دادند و مردم قم که از این خبر مسرت بخش بسیار خرسند شده بودند، به استقبال حضرت آمدند. در حالی که «موسی بن خزرج» بزرگ خاندان «اشعری» زمام شتر آن مکرمه را می کشید، در میان شور و احساسات مردم، وارد آن شهر شدند و در منزل «موسی بن خزرج» که امروزه به محله میدان میر معروف است، نزول اجلال نمودند.^۱

همانند حسین علیه السلام

در مورد فضیلت زیارت مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام نیز به ذکر این روایت اکتفا می نمایم که نقل شده مردی از اهل ری، خدمت امام هادی علیه السلام رسید. امام از او پرسیدند: کجا بودی؟ گفت: به زیارت سیدالشهدا علیه السلام رفته بودم.

حضرت فرمودند: «بدانکه اگر قبر عبدالعظیم حسنی علیه السلام را زیارت کنی، گویا حسین بن علی علیه السلام را زیارت کرده‌ای». ^۲ از این رو در فرازی از زیارتنامه ایشان چنین میخوانیم: ...السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ بِيَارَتِهِ ثَوَابُ زِيَارَةِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ يُرْتَجَى.

۴. سفر امام رضا علیه السلام به ایران

از عواملی که سبب حضور امامزادگان در نقاط مختلف ایران شد، حضور امام رضا علیه السلام در ایران و دعوت از ذریه پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله و باقی ماندگان سلاله طیب و طاهر علوی و فاطمی علیهم السلام بود که در پرتو این حضور و با توجه به ولایتعهدی امام رضا علیه السلام، فضای جامعه برای ترویج فرهنگ تشیع، مساعد تشخیص داده می شد، به ویژه آنکه «مامون عباسی»، در ظاهر به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله ابراز

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۶؛ بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۹.

۲. کامل زیارات، ص ۳۲۴.

ارادت می کرد و خود را دوستدار ایشان جلوه می داد.

بر این اساس، پس از تحمیل ولیعهدی به امام رضا علیه السلام توسط مأمون^۱ و هجرت اجباری ایشان به ایران، امام رضا علیه السلام از این فرصت استفاده کردند و نامه ای به سادات مدینه نوشتند و آنان را به ایران دعوت نمودند. به دنبال این نامه، تعداد زیادی از سادات و وابستگان و شیعیان حضرت، به دنبال امام و رهبر خویش حرکت کردند و تلاش کردند خود را به ایشان برسانند.^۲ از جمله کسانی که به سمت ایران حرکت کردند، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قالب کاروان ۴۰۰ نفره و علی بن موسی علیه السلام معروف به شاهچراغ، در قالب کاروان ۷۰۰ نفره بود.^۳

ناکامی های مأمون

پس از آنکه نقشه های مختلف مأمون برای همراهی امام رضا علیه السلام با حکومت در راستای تخریب شخصیت معنوی و سلب اعتبار و نفوذ اجتماعی آن حضرت نقش بر آب شد و نه تنها از صولت الهی و خدایی امام رضا علیه السلام کاسته نشد، بلکه با پیروزی و سرفرازی در

۱. ریان گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم مردم می گویند شما با این که اظهار بی رغبتی به دنیا می کنید ولایتعهدی را پذیرفته اید؟ امام امام رضا علیه السلام فرمود: «قد علم الله کراهتی لذلك، فلما خیرت بین قبول ذلک و بین القتل اخترت القبول علی القتل». خداوند خود می داند که من این امر را ناپسند می داشتم، ولی چون بین پذیرش آن و مرگ مخیر شدم، قبول آن را بر مرگ ترجیح دادم». عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۹.

۲. تعداد این افراد را دوازده هزار و ششصد هفتاد و سه نفر نوشته اند. (جامع الانساب، ص ۱۷).

۳. نک: تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، ص ۱۶۲.

جلسات مناظره، ماجرای نماز باران،^۱ نماز عید فطر^۲ و مانند آن، بر عزت و شخصیت ایشان افزوده شد، در این هنگام بود که مأمون احساس خطر کرد؛ زیرا یقین پیدا کرد که نیرنگهایش بی رنگ شده و نه تنها به اهداف خود نرسیده، بلکه جذبه معنوی و ملکوتی امام رضا علیه السلام، روز به روز بیشتر شده و مردم را به سمت خویش جذب می نماید.

افزون بر آن، دعوت از سادات و علویان و حضور آنان در ایران، می توانست خطری غیر قابل تصور برای تاج و تخت او به شمار آید، از این رو مأمون، تصمیم نهایی خود را اتخاذ کرد و ضمن به شهادت رساندن امام علیه السلام، دستور قتل بستگان آن حضرت را نیز صادر نمود و در نامه های متعدد، عمال خود را به لشکرکشی و جنگ با امامزادگان فرمان داد که در نتیجه این دستور، جنگهای سختی میان مأموران مأمون از یک سو و امامزادگان و کاروانیان از سوی دیگر، در گرفت و عده ای زیادی

۱. ماجرا از این قرار بود که پس از بیعت گرفتن برای امام رضا علیه السلام، باران کم شد و خشکسالی پدید آمد. مردم کمی باران را در اثر این ولایتعهدی پنداشتند. مأمون از امام خواست تا نماز استسقاء بخواند. حضرت روز دوشنبه را برای خواندن نماز تعیین کردند. حضرت روز دوشنبه از خانه خارج شدند و پس از نماز و دعا از خدای خواستند که باران رحمت را بر مردم فرو فرستد، اما تا موقع رفتن به خانه هایشان باران نبارد. آن گاه از منبر پایین آمدند و به خانه برگشتند. همین که مردم به خانه های خود رسیدند، بارش باران شروع شد. در اثر این کرامت حضرت، بر عزت و عظمت ایشان افزوده شد.

۲. مردم مرو (خراسان) با شنیدن این خبر که حضرت رضا علیه السلام برای نماز عید یه مصلا می روند، از منازل خود خارج شده در کنار راه ها نشستند و منتظر آمدن آن حضرت شدند. زنان و کودکان، پشت بام ها در انتظار مقدم او بودند، تمام فرماندهان لشگر و رجال کشور از هر صنف و طبقه درب منزل امام علیه السلام اجتماع کردند و نسبت به آن حضرت اظهار علاقه و محبت کردند. با خواندن اذکار مخصوص عید فطر و همراهی مردم، فضای معنوی و ملکوتی خاصی ایجاد شد، در این هنگام چنان ضجه و شیونی از مردم بلند شد، که گویا در و دیوار شهر مرو تکان می خورد، و مردم از دیدن آن حضرت همچنان فریاد برمی آوردند. رجال مملکت و بزرگان لشگر چون مشاهده کردند حضرت رضا پا برهنه حرکت می کند، آنان نیز از مرکبهای خود پایین آمده و کفش های خود را به دور افکندند و پای برهنه براه خود ادامه دادند...

اینجا بود که مأمون و مشاورانش احساس کردند اقامه این نماز و ایراد خطبه به وسیله امام ممکن است حکومت وی را به خطر اندازد؛ زیرا آنان هرگز فکر نمی کردند، امام این گونه در میان مردم حتی رجال کشور و فرماندهان لشگر دارای محبوبیت ویژه باشد. لذا دستور داد تا امام از اقامه نماز منصرف شود، تا بدین وسیله خود و حکومتش را از خطرات احتمالی حفظ نماید. (کافی، ج ۱، ص ۴۸۸-۴۹۰، ح ۷).

از سادات عظام شهید و مابقی هم به اطراف و اکناف متفرق گشتند.

سرانجام دو کاروان

با شهادت امام رضا علیه السلام، بار دیگر اوضاع بر سادات و امامزادگان سخت شده بود و مأموران حکومتی جلوی حرکت این کاروانها را گرفته، به مقابله با اینان میپرداختند. از جمله این کاروانها، کاروان حضرت معصومه علیها السلام بود که در درگیری با مأموران حکومت، ۲۳ نفر از آنان شهید و تعداد زیادی مجروح شدند و خود حضرت نیز بیمار و ورنجور گردیدند و پس از هفده روز، در شهر قم وفات یافتند.

حضرت احمد بن موسی علیه السلام برادر امام رضا علیه السلام و معروف به شاهچراغ نیز که با هفتصد تن از برادران و برادرزادگان و جماعت کثیری از دوستان از مدینه حرکت کرده بودند، وقتی به دو فرسخی شیراز رسیدند، خبر شهادت امام رضا علیه السلام به آن نواحی رسید و از آنجا که مأمون به تمامی حکام و عمال قلمرو خود نوشته بود که در هر کجا از آل ابوتراب ببابند، به قتل برسانند؛ از این رو «قتلغ خان»، فرماندار مأمون در شیراز، به مقابله با حضرت پرداخت. پس از چند نوبت جنگ، گروه بسیاری از همراهان سید احمد علیه السلام را با خود آن حضرت در شهر شیراز شهید کردند و بقیه سادات هم متفرق شدند، تا سرانجام هر یک از آنان را در محلی شهید نمودند و بسیاری از آنها نیز به شهرهای دوردست طبرستان و دیلمان (حدود گیلان و مازندران) فراری شدند^۱ و حتی گفته می شود بیشتر امام زادگانی که در شهرهای گوناگون ایران مدفون هستند، جز همین قافله هستند. والله العالم.

در هر صورت، یکی از دلایل وجود بارگاه های پراکنده و متعدد

امامزادگان در همه جای ایران، به خصوص در ری، قم، تفرش،
 ۱. نک: تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ظهیرالدین مرعشی، ص ۲۷۸؛
 آرامگاه های خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگان صحابه و تابعین، کمونه حسینی،
 ص ۱۶۰.

خراسان، شمال ایران و دیگر مناطق، حضور امام رضا علیه السلام در ایران و تلاش برای رسیدن به امام رضا علیه السلام بوده است که البته با دشمنی های صورت گرفته، آن بزرگواران، همانند ستاره هایی غریب، به نقاط مختلف ایران پراکنده شدند.

بزرگات حضور



پردہ چہارم:



اگرچه برکات گسترده مادی و معنوی بقاع متبرکه و حرم شریف امامزادگان بر کسی پنهان نیست و هر زائری به فراخور حس و حال معنوی خویش، تجربه های گرانبهایی از این اماکن مقدس دارد، اما برای یادآوری این مهم، برخی از این برکات را مرور می نماییم.

۱. بازخوانی و یادآوری فرهنگ و مکتب اهل

بیت علیهم السلام

چشمه در مسیر حرکت و جوشش خود به چندین جویبار تقسیم می شود تا افراد بیشتری جان و دل در آن بشویند و از زلال آن سیراب گردند.

ائمه علیهم السلام سرچشمه های هدایت بشر هستند و امامزادگان، همانند جویبارهای کوچک و بزرگی که در گذر زمان از آن منشعب شده، در مکانهای مختلفی ساکن شده اند تا ضمن یادآوری و راهنمایی به سرچشمه اهل بیت علیهم السلام، محبان و تشنگان، از زلال عرفان ناب موجود در خاندان اهل بیت علیهم السلام سیراب گردند و با تمسک به این امامزادگان، فرهنگ و مکتب اهل بیت علیهم السلام را پاس دارند.

زالال معرفت

به عبارت دیگر: امامزادگان و منسوبان به عترت طاهره علیهم السلام متصل به سرچشمه فیض و ولایت اهل بیت علیهم السلام و یادآور فرهنگ و مکتب ولایی ائمه معصومین علیهم السلام هستند که زیارت آنان و گام نهادن در حرم ایشان، انسانهای تشنه معنویت و کمال را با ماء معین و آب گوارای معرفت و ایمان، سیراب می نماید و یاد و مرام و اهداف برگزیدگان الهی را یادآور می گردد؛ از این رو در روایات، زیارت ذریه

و فرزندان پیامبر ﷺ، با خود ایشان برابر دانسته شده است. امام باقر علیه السلام از پیامبر اکرم ﷺ نقل نموده است که ایشان فرمودند: «مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا؛ کسی که مرا و یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت او را زیارت می کنم و از سختیهای قیامت نجاتش می دهم»^۱.

و فرمود: «فَمَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي فَكَأَنَّمَا زَارَ فَاطِمَةَ وَ مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي وَ مَنْ زَارَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فَكَأَنَّمَا زَارَ فَاطِمَةَ وَ مَنْ زَارَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ فَكَأَنَّمَا زَارَ عَلِيًّا وَ مَنْ زَارَ ذُرِّيَّتَهُمَا فَكَأَنَّمَا زَارَهُمَا؛ پس کسی که مرا بعد از وفاتم زیارت کند، گویا فاطمه را زیارت نموده، و کسی که فاطمه را زیارت کند، گویا مرا زیارت کرده، و کسی که علی ﷺ را زیارت کند، گویا فاطمه علیها السلام را زیارت نموده و کسی که حسن و حسین علیهما السلام را زیارت کند، گویا علی ﷺ را زیارت نموده و کسی که فرزندان آن دو را زیارت کند، گویا آن دو را زیارت نموده است»^۲.

بنابراین، یکی از برکات زیارت امامزادگان، بازخوانی خط مشی ائمه علیهم السلام و یادآوری جایگاه و مقام ممتاز اهلبیت علیهم السلام است که با مشاهده شاهد شریفه این بزرگواران، زائر به یاد اجداد و آباء گرامی ایشان، اهداف و برنامهها و آموزه های رفتاری و گفتاری ایشان می افتد و نام و یادشان را با ذکر صلوات و بیزاری جستن از دشمنان و قاتلان ایشان گرامی می دارد و به راحتی و زیبایی، یکی از بنیانهای فکری تشیع یعنی تولی و تبری را به نمایش می گذارد.

نماد محبت

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۳.
 ۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۲، ح ۲۸؛ مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۱۰، ص ۱۸۲، ح ۴؛ بشارة المصطفی، محمد بن علی طبری، ص ۱۳۹.

نشانه و نماد دیگری که بر این حقیقت اشاره دارد، برگزاری مراسم های باشکوه مذهبی در جوار بارگاه این بزرگواران است که زائران مؤمن و شیعیان وفادار به خاندان عصمت علیهم السلام، و جود بارگاه این امامزادگان را فرصتی زیبا و مغتنم برای عرض ارادت به اهل بیت علیهم السلام دانسته و در کنار و همراه این سادات و فرزندان امامان علیهم السلام، مودت و محبت خویش را ابراز می کنند.

۲. ارتقای سطح معنوی

برخی از خانه ها و مکانها، از شرافت و منزلت خاصی برخوردارند؛ همانند خانه هایی که در آنها خداوند مورد پرستش قرار گرفته و ذکر و یاد پروردگار در آن جاری و ساری است. خداوند متعال با اشاره به این گونه خانه ها می فرماید: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ؛ در خانه هایی که خداوند اذن داده که دیوارهای آن بالا برده شوند و در آنها نام خدا برده شود و بامداد و شامگاه در آنها تسبیح او گویند»^۱.

بی گمان، آستان نورانی امامزادگان، زیارتگاه ها و اماکنی که به خاندان مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله و ذریه گرانقدر ایشان منسوبند، همه از مصادیق این آیه شریفه بوده، جزئی از خانه ها، آستان ها و بیوتی است که براساس این آیه شریفه، خداوند متعال به تکریم و تعظیم آن فرمان داده است و این اماکن مقدس، مکانی مناسب برای ذکر و توجه به خدا و ارتقای معنویات به شمار می رود.

ترنم ذکر و صلوات

کسی که در این مکانها قرار می گیرد، با ترنم ذکر و یاد خدا بر زبان، با صلوات و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهلیت علیهم السلام، با اقامه نماز واجب،

۱. سوره نور، آیه ۳۶.

خواندن نماز زیارت، تلاوت قرآن، خواندن زیارتنامه و مرور دعاها و زیارتهایی مانند زیارت عاشورا، جامعه کبیره و مانند آن، روشنی و نورانیت معنوی در وجود خویش احساس نموده، با پیوندی دوباره با فطرت، از رذائل و ناپاکیها فاصله می‌گیرد و همین نورانیت و معنویت، باعث حفظ و تقویت ارزش‌ها، دوری از ناهنجاریها، مصونیت در برابر تهاجم فرهنگی و ایجاد آرامش و ایمان، در دیگر ساحتهای زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی او میگردد.

شمیم معنویت

ضمن آنکه اصل حضور در بقاع متبرکه و تنفس در فضاهای معنوی حرم مطهر امامان علیهم‌السلام، امامزادگان و برگزیدگان الهی، شمیم معنویت و عطر خوش خداخواهی را بر مشام جان انسان می‌نشانند و زائر را سرمست و مشتاق معنویات نموده و چه بسا با عنایت خاندان فضیلت و کرامت، توفیق حضور او در این مکان مقدس، همراه با تحول روحی و فکری و رویش جوانه‌های تقوا و خدادوستی حقیقی زائر و تغییر مسیر زندگی پیشین او گردد.

با توجه به همین تأثیرات شگرف، تحول آفرین و ظرفیت مناسب فرهنگی و معنوی این مکانهای مقدس و همچنین پراکندگی، تنوع و فراوانی این امامزاده‌ها بود که رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) تأکید کردند که امامزادگان و بقاع متبرکه، باید به قطب فرهنگی جامعه تبدیل گردند.

۳. ارزیابی و سنجش ایمان

پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم میفرماید: «ایمان در درون شما کهنه و فرسوده می‌شود؛ همان گونه که لباس در تن شما کهنه می‌شود. پس از خدای

متعال بخواید که ایمان را در قلبهایتان تازه و نو گرداند.^۱ این سخن بدان معناست که هر مؤمنی وظیفه دارد عقاید و باورهای مذهبی خود را به کارشناسان و متخصصان دینی ارائه نماید تا با اطمینان خاطر، مسیر بندگی را به سلامت پیماید.

باورهایی به زیبایی بهشت

یکی از افرادی که با وجود بزرگی و شرافت مقام، به این مهم اهتمام ورزید، حضرت عبدالعظیم حسنی است. ایشان می فرماید: خدمت امام هادی علیه السلام رسیدم. هنگامی که چشم آن حضرت بر من افتاد، فرمود: «ای ابوالقاسم! خوش آمدی؛ اَنْتَ وَلِيْنَا حَقًّا؛ تو از دوستان حقیقی و واقعی ما هستی».

عرض کردم: «یا ابن رسول الله! میل دارم عقاید و باورهای دینی خود را بر شما عرضه بدارم. اگر عقاید من درست است، ثابت باشم تا آن گاه که رحمت خداوند را ملاقات کنم». حضرت هادی علیه السلام فرمود: «بگو ای ابوالقاسم!».

عرض کردم: من معتقدم که خدا یکی است و مانند او چیزی نیست، و از دو حد ابطال و تشبیه بیرون است و جسم، صورت، عرض و جوهر نیست؛ بلکه اوست که اجسام را جسمیت داده و صورتها را تصویر فرموده و اعراض و جواهر را آفریده است. او خداوند همه چیز و مالک و محدث اشیاء است. معتقدم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او و خاتم پیغمبران است، و پس از وی تا روز قیامت پیغمبری نخواهد بود و امام بعد از رسول صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است، بعد از او حسن، سپس حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و سپس شما علیهم السلام هستید. امام هادی علیه السلام فرمود: پس از من فرزندانم . ۱. مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۴؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۲۶۲.

حسن امام است، لیکن مردم درباره امام بعد از او چه خواهند کرد؟
 عرض کردم: ای مولای من! مگر ایشان چگونه است؟ فرمود: امام
 بعد از فرزندانم حسن، شخصش دیده نمی‌شود و اسمش در زبانها
 جاری نمی‌گردد تا خروج کند و زمین را از عدل و داد پر کند، همان
 طور که از ظلم و ستم پر شده است.

عبدالعظیم می‌گوید: عرض کردم: به این امام غائب هم معتقد شدم
 و اکنون می‌گویم: دوست شما دوست خدا و دشمن شما دشمن
 خداست، طاعت شما طاعت پروردگار و معصیت و نافرمانی از شما
 موجب معصیت خداست. من عقیده دارم که معراج و پرسش در قبر
 و هم چنین بهشت و دوزخ و صراط و میزان حقانند، و روز قیامت
 خواهد آمد و در وجود آن شکی نیست، و خداوند مردگان را زنده
 خواهد کرد و نیز عقیده دارم که واجبات بعد از اعتقاد به ولایت و
 امامت عبارتند از: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی
 از منکر. در این هنگام حضرت هادی علیه السلام فرمود: ای ابالقاسم! به خدا
 سوگند اینها دین خداست که برای بندگانش برگزیده است، بر این
 عقیده ثابت باش و خداوند تو را به همین طریق در زندگی دنیا و
 آخرت پایدار بدارد.^۱

صراط مستقیم ولایت

بر این باور، حضور در حرم های مقدس امامان و بارگاههای
 ملکوتی امامزادگان، فرصت مغتنمی است تا انسان باورهای فکری و
 گرایش های رفتاری خود را بر آنان عرضه نماید و ژرف بیندیشد که آیا
 سبک زندگی او، با سبک زندگی اهل بیت علیهم السلام و امامزادگان بزرگوار
 هماهنگ است یا نه؟ چه مقدار بین زندگی او و باورهای قرآنی و دینی
 این بزرگواران فاصله افتاده است؛ از زندگی فردی و خانوادگی گرفته،
 ۱. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۶۸؛ امالی، شیخ صدوق، ص ۴۱۹.

تا نحوه پوشش و حجاب و عفاف همسر و فرزندان، کسب حلال، حمایت از ولایت، نماز و عبادات و هر آنچه که به عنوان واجبات و محرمات شرعی بیان شده و این سادات و وابستگان به خانه وحی، با تمام وجود بدان عمل می نمودند و برای زنده نگه داشتن همین باورها، جان مبارکشان را فدا کردند.

باید نیک اندیشید که با توجیحات فراوان و به بهانه به روز بودن و عقب نماندن از قافله روشنفکرانماها، چه مقدار از واجبات را فاکتور گرفته و برای هم رنگی با دیگران، مجوز چه گناہانی را که صادر نکرده ایم!

در هر حال، عرضه باورها بر برگزیدگان الهی و سنجش میزان دینداری خود با آموزه های دینی و مذهبی، یکی از نکاتی است که اهل بیت علیهم السلام نیز بارها بر تأکید کرده و میفرمودند: «أَنْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزُمُوا سَمْتَهُمْ وَاتَّبِعُوا آثَرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى؛ به خاندان پیامبرتان بنگرید! همراه باراه و روش آنان باشید و از آنان پیروی کنید. آنها شمارا از هدایت بیرون نمی برند و در گمراهی وارد نمی سازند»^۱.

وادی عرضه و سنجش

یکی از عرفای معاصر - علامه جوادی آملی حفظه الله - پیرامون حقیقت زیارت می فرماید: زیارت، حضور عارفانه عاشق در دیار معشوق، دیار عاشقانه زائر از سرای مزور، اظهار عشق و ارادت محب به محبوب، دل دادن صمیمانه دل داده در کوی دلدار، سر سپرده سرباز فداکار در پیش پای سردار، اعلان فروتنی دیندار در برابر دین و پیشوایان دینی و اذان ایمان و دینداری است. زیارت عرضه خویشتن

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۷.

بر ترازو و ابزار سنجش است. ایستادن در برابر آینه و معیار کمال و نشانی کوی کمال به انسان تعالی طلب است که به کجایمی توان رسید. زیارت، سفری مشتاقانه، آگاهانه و عاشقانه است که از سرای دل آغاز می شود، از راه دل عبور می کند و سرانجام نیز در منزل دل به مقصد و مقصود می رسد و بار بر زمین می نهد.^۱

۴. پناه در ماندگان؛ آرام بخش گرفتاران

هر انسانی در دنیا، نیازمند پناهگاهی است تا در هجوم خطرات و آن هنگام که اراده انسان از کار می افتد، به آن پناهگاه مراجعه نماید. پناهگاه و پشتوانه قابل اعتمادی که آن هنگام که همه وسیله ها منقطع شده و اضطراب و بیچارگی به انسان رو نموده و او را به نقطه یأس و ناامیدی مطلق کشانده است، بتوان بدان تکیه نمود.

از برکات و آثار امامزادگان این است که ایشان، ملجأ و مأوای گرفتاران و درماندگان هستند و آن گاه که همه سببها قطع و امیدها ناامید می گردد، این ستارگان آسمان ایمان و معنویت، بارقه های امید را در دل انسان مایوس و افسرده حال زنده کرده، او را در پناه خویش می گیرند. در چنین فضاها، توسل و چنگ زدن به دامان اهل بیت علیهم السلام، امامزادگان و اولیای الهی، به مثابه نور امید است که دل و جان خسته و درمانده را انرژی تازه ای می بخشد و نوید و امید حیات و زندگی می دهد.

پناه دل سوختگان

بر این اساس، در روایات، از پیشوایان دین و ائمه هدی علیهم السلام به عنوان كَهْفِ الْوَرَى؛ یعنی پناهگاه مردم) تعبیر شده است؛^۲ بدین معنا

۱. ادب فنای مقربان، علامه جوادی آملی، ج ۱، ص ۱۷.
 ۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «نَحْنُ كَهْفٌ لِمَنْ تَجَاؤُنَا؛ ما پناهگاهییم برای هر کس که به ما پناه آورد». (بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۹۹). امام سجاد علیه السلام نیز در دعای

که آن بزرگواران، پناهگاه امن مردم از خطرها بوده و همواره آغوش باز آنان برای رهایی و نجات گرفتاران باز است.

وجود بارگاه های مقدس و نورانی امامزادگان و بزرگان دین، پناهگاههایی است که باعث می گردد انسان متوسل به درگاه مقربان الهی، همیشه راه گشایش را باز ببیند و هیچ گاه در مشکلات و مصائب غرق نگردد و چه چیزی شیرین تر از حس امید که مانند چراغ فروزانی است که خانه وجود آدمی را سرشار نور و روشنایی میکند و مایه گرمی و حرارت زندگی انسان و سبب ایجاد شوق و شور در راه رسیدن به هدفهای می گردد؛ که اگر نبود امید، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی را نمی نشانند.^۱

کوی نو میدی مرو، امیدهاست

سوی تاریکی مرو، خورشیدهاست^۲

شاید به همین دلیل است که افرادی که از این گونه پناهگاههای حقیقی و معنوی فاصله می گیرند، مجبورند به دامان قرصهای آرامبخش و خواب آور پناه ببرند!

۵. رهایی از سرگستگی و گم شدن

خداوند متعال همواره برای هدایت انسانها به مقصد اصلی و نجات از سرگستگی و حیرانی، نشانه‌ها و علائمی را قرار می دهد تا نجات بخش انسان از فرورفتن در گردابهای مادیات، شهوات نفسانی و غرق

۴۷ صحیفه می فرماید: «اللهم انک ایدت دینک فی کل اوان بامام اقمته علما لعبادک... فهو کھف المؤمنین؛ خدایا! همانا دینت را در هر زمانی با امامی تأیید کرده، او را پرچم هدایت بندگانت قرار دادی... پس او پناهگاه مؤمنان است».

۱. پیامبر اسلام ﷺ، امید را رحمت الهی می داند و می فرماید: «الأمل رحمة لأمتی ولو لا الأمل ما رضعت والدة ولدها ولا غرس غارس شجرة؛ امید و آرزو، رحمتی است برای پیروان من. اگر امید نمی بود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی را نمی نشانند». بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۷۳.

۲. مولوی

شدن در روزمرگیها باشد و بدین گونه، مسیر انتخاب صحیح را به انسان بنمایاند و به ساحل آرامش، امنیت و معنویت رهنمون گردد.

ائمه هدی علیهم السلام و امامزادگان، نشانه های الهی در زمین، برای راهنمایی انسان به مقصد صحیح آفرینش هستند و مزار شریف این گرامیان، همانند چراغهای فروزانی است که انسانهای سرگشته را از هلاکت و ظلمت گمراهی، به جاده اصلی فطرت و پاکی فرامی خواند.

سخنی از استاد شهید

به تعبیر شهید مطهری (رحمة الله علیه): در هر حرکت و مسیر، توجه به علامتها و فلشها و نشانههای راه برای گم نشدن و دور نیفتادن از مقصد و به سوی مقصد رفتن است.

انبیاء و اولیاء، راههای خدا هستند: «أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَالصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ؛ شما بزرگراه هدایت و استوارترین راه رسیدن به خدا هستید».

آنان علامتها و نشانههای سیر الی الله هستند: «وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَادِلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ؛ و نشانههایی برای هدایت بندگان در شهرها و راهنمایان رسیدن آنان به خدا».

هادیان و راهنمایان به سوی حق میباشند: «الدُّعَاةُ إِلَى اللَّهِ وَالْأَدِلَاءُ عَلَى مَرَضَةِ اللَّهِ؛ دعوت کنندگان به خدا و راهنمایان بندگان به سوی رضایت او».^۲

امام رضا علیه السلام نیز در فرمایش نغز و دلنشین خودشان، تعبیری بس والا پیرامون ائمه علیهم السلام و چگونگی هدایتگری و نجات از گمراهی انسانها داشته و فرمودند: «الْإِمَامُ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ؛ امام علیه السلام مانند خورشید فروزان است که نورش عالم را فرا گیرد.

۱. فرازهایی از زیارت جامعه کبیره.

۲. یادداشت های استاد مطهری، ج ۵، صص ۴۱۳ و ۴۱۴.

«الإمامُ البدرُ المُنيرُ والسراجُ الزاهرُ والنورُ الساطعُ والنجمُ الهادي في غياهِبِ الدجى وأجوازِ البلدانِ والقِفارِ ولججِ البحارِ؛ امام علیه السلام ماه تابان، چراغ روشن، نور درخشان و ستاره راهنما در تاریکیها، رهگذر شهرها و کویرها، و گرداب دریاها است.

«الإمامُ الماءُ العذبُ على الظمِّ والدالُّ على الهدى والمُنجى من الردى؛ امام علیه السلام آب گوارای زمان تشنگی و راهنمای هدایت و نجات بخش از هلاکت است.

«الإمامُ النارُ على اليفاعِ الحارِّ لمن اضطلَّ بهِ والدليلُ في المهالكِ، من فارقهُ فهالكٌ؛ امام علیه السلام همانند آتش روشن بر بلندیاها [برای هدایت گم گشتگان]، وسیله گرمی برای هر که از آن گرما خواهد و رهنمای هلاکتگاهها است. هر که از او جدا شود هلاک شود.»^۱

تلاؤهدایت

مشابه همین پر توافشانی و نقش هدایتگری را امامزادگان عظیم الشان به دلیل متصل بودن به عترت طاهره علیهم السلام دارا هستند و بقاع متبرکه امامزادگان و حرمهای امن ایشان، همانند چراغهایی فروزان و تابنده، انسان را به سوی نور ایمان و سعادت دنیوی و اخروی راهنمایی می کند و از غفلت و بی توجهی، سرگشتگی و گم شدن در میان امواج سهمگین و سوسه های شیطانهای جنی و شیاطین انسان نما، رهایی میبخشد.

۶. واسطه فیض بودن و روا شدن حاجات

بدون تردید، یکی از آثار و برکات مشاهد شریفه و بقاع متبرکه امامان و امامزادگان، واسطه فیض بودن این بزرگان و صالحان و برآوردن حاجات نیازمندان و گرفتاران است و زائران بسیاری، در طول

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۸۶؛ تحف العقول، ص ۴۳۶.

سال با تشریف و زیارت این قبور، به برکت پیوند خوردن با فضای معنوی آن مکانهای مقدس، آن بزرگواران را واسطه رفع مشکلات و برآورده شدن حاجات خویش قرار می دهند و در بسیاری از اوقات که با دل‌های پاک و فارغ از دنیا و دلبستگی های مادی، به سوی ایشان روی می آورند، حاجت‌های خود را گرفته، سرشار از عشق و امید به زندگی ادامه می دهند.

یک دستور قرآنی

واسطه فیض قرار دادن خوبان و آبرومندان در گاه الهی برای دریافت نعمتها و گشایش در کارها، دستوری قرآنی و مورد سفارش پیامبر ﷺ و اهلبیت علیهم السلام است. خداوند متعال به مؤمنان چنین دستور داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و وسیله ای برای تقرب به او بجوید»^۱.

سلمان فارسی به نقل از پیامبر اعظم ﷺ میگوید: خداوند می فرماید: ای بندگان، آیا چنین نیست که چه بسا کسی حاجات بزرگی از شما می خواهد و شما حوایج او را بر نمی آورید، تا اینکه کسی را که محبوب ترین مردم نزد شماست، شفیع قرار می دهد؛ آن گاه حاجات او را به احترام آن شفیع بر می آورید؟

«أَلَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَكْرَمَ الْخَلْقِ عَلَيَّ وَأَفْضَلُهُمْ لَدَيَّ مُحَمَّدٌ وَأَخُوهُ عَلِيُّ وَمَنْ بَعْدَهُمَا الْأَئِمَّةُ الَّذِينَ هُمْ الْوَسَائِلُ إِلَيَّ...؛ آگاه باشید و بدانید که گرامی ترین خلق نزد من، محمد و برادر وی علی و امامان پس از اویند که همانا «وسیله» مردم به سوی من اند. اینک هر کس حاجتی دارد و نفعی را طالب است یا آنکه دچار حادثه ای صعب و زینبار گشته و خواهان رفع آن است، باید مرا به محمد و خاندان پاکش بخواند تا به

۱. سوره مائده، آیه ۳۶.

نیکوترین وجه حاجت او را بر آورم»^۱.

بنابراین، از برکات قطعی و تجربه شده امامزادگان، بر آورده شدن حاجات است که مؤمنان در هجوم مشکلات مادی و گرفتاریهای فراوان زندگی، بار سفر به سوی مزار شریف آنان بسته، این عزیزان و جیه و آبرومند درگاه الهی را واسطه قرار می دهند و گره گشایی گره های بسته زندگی خود را از آنان می طلبند.

۷. برگی دیگر از آثار و برکات

آنچه گفته شد، تنها گوشه ای از آثار و برکات امامزادگان و بقاع متبرکه بود. در این فرصت، برخی دیگر از این آثار را به صورت گذرا مرور می کنیم.

الف: آموزش گناهان

حضور بر سر مزار آن پاکان، فرصت نابی است تا زائر صورت و سیرت خود را در زلال معنویت آن بشوید و با استغفار و توبه خالصانه و حقیقی، پاک و طاهر از آن مکان مقدس خارج گردد و زندگی تازه ای را آغاز نماید. امام باقر علیه السلام فرمود: «فَمَنْ زَارَ قَبْرَ شُهَدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَرِيْدُ اللّٰهَ بِذَلِكَ وَصِلَةَ نَبِيِّهِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوْبِهِ كَيْوْمَ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ؛ کسی که قبر شهدای آل محمد علیهم السلام را زیارت کند و باین زیارت خدا و تقرب به نبی را قصد کرده باشد، از گناهانش همچون روزی که از مادر متولد شده است، خارج می شود»^۲.

حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که ایشان فرمود: «سَتُدْفَنُ بَضْعَةً مِّنِّي بِخُرَّاسَانَ، مَا زَارَهَا مَكْرُوْبٌ اِلَّا نَفَسَ اللّٰهُ

۱. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۲۲.

۲. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۳۳۱، باب ۲، ح ۲۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۲، ح ۲۰.

کَرَبُهُ وَلَا مُذْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ؛ به زودی پاره تن من در سرزمین خراسان دفن می شود، هیچ غمگینی او را زیارت نمی کند جز آنکه غمش بر طرف می شود، و گناهکاری او را زیارت نمی کند، جز آنکه خداوند گناهان او را می بخشد.^۱

ب: شفاعت از زائر

درباره دستگیری و شفاعت ائمه علیهم السلام و نیز امامزادگان، احادیث فراوانی وارد شده است. به عنوان نمونه، امام صادق (ع) فرمود: «تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ؛ با شفاعت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، همه شیعیان ما وارد بهشت خواهند شد».^۲

و امام هشتم علیه السلام فرمود: «مَنْ شَدَّ رَحْلَهُ الی زیارتی، استجیب دُعَاؤُهُ... وَ كُنْتُ اَنَا وَ آبَائِي شَفَعَاءَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ کسی که برای زیارت من کمر مسافرت ببندد، دعایش مستجاب می شود... و من و پدرانم او را در روز قیامت شفاعت می کنیم».^۳

ج: نجات از سختیهای قیامت

همه انسانهای روزی را تجربه خواهند کرد که همه دستاویزها، دارایی ها، خویشان، بستگان، دوستان و هر آنچه به تصور آید، از کار می افتند و انسان محتاج و نیازمند می گردد. در هنگام چنین نیاز واقعی انسان در قیامت است که صورت زیبای زیارت معصومین علیهم السلام و امامزادگان، رُخ می نماید و منجی انسان می گردد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا؛ کسی که مرا و یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت او

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۵۵۳؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۲، ص ۳۳، ح ۱۰.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۷۶.

۳. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۲، ص ۴۴، ح ۵۱.

را زیارت می کنم و از سختی های قیامت نجات می دهم»^۱.
 همچنین وقتی که امام حسین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «یا اَبَتَاهُ مَا لِمَنْ زَارَكَ؟ ای پدر! پاداش کسی که تو را زیارت کند چیست؟»
 پیامبر صلی الله علیه و آله چنین پاسخ فرمود: «یا بَنِي مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَحَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُزَوِّرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أُخَلِّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ؛ کسی که مرادر حیات یا ممامتم زیارت کند یا پدر تو [علی علیه السلام] را زیارت کند یا برادرت [حسن علیه السلام] را زیارت کند یا تو را زیارت کند، بر من لازم است که روز قیامت او را زیارت کنم و او را از گناهانش رها سازم»^۲.

د: برکات مادی

بدون شک، افزون بر برکات بی شمار معنوی و فرهنگی بقاع متبرکه و امامزادگان و نیز رفع گره های مادی بسیاری از متوسلان به این مقربان درگاه الهی، وجود این امامزادگان باعث گسترش امکانات رفاهی و تجهیز نیازمندیهای مختلف برای آن مکان و مسیرهای مرتبط به آن می گردد که این مسئله نیز جلوه ای دیگر از خیر و برکات مادی این بزرگان برای مجاوران، اهالی و ساکنان آن مکان به شمار می آید.

ضمن اینکه، اصل رفتن به زیارت، برای انسان افزایش رزق و روزی را به دنبال می آورد؛ همانگونه که امام علی علیه السلام فرمودند: «و بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلْزَمَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَقَّهَا وَ زِيَارَتَهَا وَ اطْلُبُوا الرِّزْقَ عِنْدَهَا؛ و به زیارت قبوری بروید که خدا حق و زیارت آنها را بر شما لازم نموده [همانند قبور امامان و امامزادگان] و نزد آن قبور طلب رزق کنید»^۳ و امام باقر علیه السلام درباره برکات مادی زیارت امام حسین علیه السلام فرمود: «إِنَّ

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۱، ح ۲۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۳، ح ۳۱.

۲. کافی، کلینی، ج ۴، ص ۵۴۸، ح ۴.

۳. خصال، شیخ صدوق، النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۱۶.

الْحُسَيْنَ صَاحِبَ كَرْبَلَاءَ... وَ حَقُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ لَهْفَانٌ...
إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَأَعْطَاهُ مَسْأَلَتَهُ وَ غَفَرَ ذُنُوبَهُ [ذَنْبَهُ] وَ مَدَّ فِي عُمُرِهِ وَ
بَسَطَ فِي رِزْقِهِ؛ حسین علیه السلام صاحب [و شهید] کربلا است،... بر خدای
عزیز و جلیل حق است که غصه‌داری و... به زیارت او نیاید جز آنکه
خدا مشکلش را بر طرف و خواسته‌اش را اجابت می‌کند و گناهانش را
می‌پوشاند و عمرش را طولانی می‌کند و رزقش را افزایش می‌دهد.^۱

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۴۶، ح ۵؛ کامل الزیارات، ابن
قولویه، ص ۱۶۸، باب ۶۹، ح ۵؛ مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۱۰،
ص ۲۳۹، ح ۱۷.

وظائف ما



پردہ پنجم:



میهمان شدن و بهره مندی از ضیافت خوبان و وابستگان به پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام و تشریف به مأمن و مأوی امامزادگان، برخی مسئولیتها و وظایف را بر عهده زائر قرار می دهد که مهم ترین این وظایف عبارتند از:

۱. آشنایی با افکار و اندیشه های آنان

از اصلی ترین وظایف زائر حرمهای شریف و قبور نورانی امامزادگان، پی جویی و آشنایی با سبک زندگی و افکار و اندیشه های والای آنان است. اینکه چگونه زیسته اند و زندگی خویش را بر اساس چه معیارها و باورهایی بنیان نهاده بودند؛ به چه چیزهایی پایبند بوده و از چه مواردی دوری گزیده اند. سیره و سخن آنان چگونه بود که به خوش عاقبتی و عزت رسیدند و یاد و نامشان بزرگ داشته شده، مزارشان محل نزول ملائکه و محل طواف و عتبه بوسی مؤمنان گردیده است؟

یافتن پاسخ این پرسشها و موارد مشابه آن، درسها و فرمولهایی است که باید از این ستاره های گمنام آموخت و با آگاهی و شناخت بهتر، اثرپذیری و ایجاد تحول در زندگی خویش را آغاز نمود و از حقیقت زیارت، بیش از پیش بهره مند گردید.

معرفت، اساس مودت

این آشنایی با افکار و اندیشه ها بدان سبب اهمیت دارد که

مهرورزی نسبت به خوبان، رابطه مستقیمی با میزان شناخت از کمالات و زیبایی های آنان دارد و هر کس بر اساس معرفت خویش، به محبوب ارادت می ورزد؛ اگر آشنایی ضعیفی داشته باشد، بی تردید رابطه قلبی او هم در درجات پایین خواهد بود و هر قدر معرفت او به کمالات و فضائل محبوب خود بیشتر باشد، ارادت قلبی، عشق و علاقه و در نتیجه خضوع و خشوع و تسلیم در برابر محبوب، بیشتر و ریشه دارتر خواهد بود.

امام علی علیه السلام در رابطه با درجات گوناگون دلباختگان اهل بیت علیهم السلام و نتیجه آن می فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَقَاتَلَ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا بِيَدِهِ فَهُوَ مَعَنَا فِي الْجَنَّةِ فِي دَرَجَتِنَا وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَنَا بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُقَاتِلْ مَعَنَا أَعْدَاءَنَا فَهُوَ أَسْفَلُ مِنْ ذَلِكَ بِدَرَجَةٍ وَمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَلَمْ يُعِينَنَا بِلِسَانِهِ وَلَا يَبِيدِهِ فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ؛ هر کس ما را در دل دوست داشته باشد و با زبانش یاری کند و با دستش به دفاع از ما برخیزد (یعنی با تمام وجود دلباخته ما باشد)، در بهشت هم درجه و همنشین ما خواهد بود و هر که ما را با دل دوست بدارد و با زبان یاری کند و همراه ما با دشمنانمان نجنگد، یک درجه پایین تر خواهد بود و هر که با قلبش ما را دوست دارد ولی با زبان و دست به یاری ما نشتابد، در بهشت خواهد بود»^۱.

۲. مهرورزی و مودت قلبی

در دل داشتن محبت اولیاء و خوبان در گاه الهی، یکی از نشانه های ایمان و از وظایف مؤمنان نسبت به سادات، فرزندان و نوادگان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است. امیر مؤمنان علیه السلام در این رابطه می فرماید: «هر کس می خواهد بداند که آیا عاشق حقیقی اهل بیت علیهم السلام است یا نه، به قلب خویش رجوع نماید، اگر در دلش محبت دوستان ما هست پس او

۱. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۷.

دوست ماست، ولی اگر یکی از دوستان ما را در دلش دشمن می دارد، او دوستدار حقیقی ما نیست»^۱.

به دیگر سخن، اینکه انسان از اعماق وجود خویش به فرزندان زهرای اطهر علیها السلام و امیر مؤمنان علیه السلام، عشق و ارادت بورزد و نسبت به آنان، احساس فروتنی و محبت داشته و احترام و ارزشگذاری به ایشان را، نماد احترام و محبت به ائمه علیهم السلام و پیشوایان گرانقدر بشمارد، این مودت و محبت قلبی نسبت به ذریه اهل بیت علیهم السلام، امامزادگان و اولیاء الهی، نخستین گام در ادای وظیفه است؛ چنانکه در زیارت «امین الله» درخواست می کنیم: «خداوند! دل و جان مرا شیفته اولیای برگزیده ات قرار بده»^۲.

دعوتی از جانب خدا

خداوند متعال در قرآن کریم به این شیوهی محبت و مودت دعوت کرده و می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ؛ [ای پیامبر] بگو: من بر انجام امر رسالت، از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی و محبت درباره نزدیکانم»^۳.

هنگامی که این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، صحابه عرض کردند: ای رسول خدا! خویشاوندان تو کیانند که مودت آنان بر ما واجب است؟ حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «علی و فاطمه و فرزندان او»^۴.

دوستی ذریه علیهم السلام، نماد دوستی با پیامبر صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله مودت و دوستی اهل بیت علیهم السلام و وابستگان به

۱. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۵۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۵.

۳. سوره شوری، آیه ۲۳.

۴. الدر المنثور، ج ۶، ص ۷؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۷۲؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۸.

خود را نشانگر دوست داشتن خود دانستند و فرمودند: «أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْذُوكُمْ بِهِ مِنْ نِعْمِهِ وَ أَحِبُّونِي لِحُبِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي لِحُبِّي؛ خدا را دوست بدارید، به جهت آنکه از نعمت‌هایش به شما روزی می‌دهد و مرا نیز به جهت دوستی خدا دوست بدارید و اهل بیتم را به جهت دوستی من دوست بدارید».^۱

امام باقر علیه السلام نیز درباره تعمیم و گسترش این مودت به دیگر فرزندان و وابستگان به اهل بیت علیهم السلام فرمودند: «وَالطَّاعَةُ لِوَاحِدٍ مَنَا وَ الْمَوَدَّةُ لِلْجَمِيعِ؛ اطاعت نسبت به یک نفر از ما - به عنوان امام معصوم - است و دوستی نسبت به همه ما».^۲ یعنی در هر دوره و زمان، یک امام واجب الإطاعة وجود دارد که همگان موظف به اطاعت از او هستند، ولی محبت و دوستی نسبت به تمامی وابستگان به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله عمومیت دارد و احترام و محبت آنان، لازم و ضروری است؛ لذا شیخ صدوق (رحمت الله علیه) نیز تمام ذریه و دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله را مصداق آیه مودت دانسته و می‌نویسد: «وَمَوَدَّةٌ ذُرِّيَّةُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله إِذَا كَانُوا عَلَى مَنَهَاجِ آبَائِهِمُ الطَّاهِرِينَ فَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ فِي أَعْنَاقِ الْعِبَادِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ أَجْرُ النَّبِيِّ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)؛ محبت و دوستی به فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله در صورتی که آنان در همان مسیر پدران پاکشان باشند (و از آن منحرف نگردند)، بر بندگان خدا تار و ز قیامت، فرض و واجب است و همین محبت و ورزیدن، مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله است چنانکه قرآن همین مطلب را در سوره شوری آیه ۲۳ می‌فرماید: ای پیامبر! به امت خود بگو از شما جز محبت و دوستی به خویشاوندانم، پاداشی نمیخواهم».^۳

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۴؛ مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۰.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۵۶.

۳. امالی شیخ صدوق، ص ۷۳۹.

سه تعبیر؛ سه معنا

رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه الله) می فرماید: در قرآن نسبت به اولیاء الهی سه تعبیر وجود دارد: یک تعبیر، تعبیر ولایت است؛ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»،^۱ بحث ولایت. معلوم است که پیوند، ارتباط، معرفت، اینها داخل در زیر مجموعه‌ی ولایت است.

یک بحث، بحث اطاعت است؛ «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۲ اطاعت رسول و اطاعت اولی الامر. این، در عمل است. در میدان عمل باید اطاعت کرد، پیروی کرد.

اما یک بحث سومی وجود دارد و آن، بحث مودت است. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». ^۳ ولایت اینها را داشته باشید، اطاعت هم از اینها بکنید؛ مودت برای چیست؟ این مودت چیست؟

این مودت، پشتوانه است. اگر این مودت نباشد، همان بلائی بر سر امت اسلامی خواهد آمد که در دورانهای اول بر سر یک عده‌ای آمد که همین مودت را کنار گذاشتند، به تدریج اطاعت و ولایت هم کنار گذاشته شد. بحث مودت خیلی مهم است. این مودت، با این ارتباطات عاطفی حاصل میشود؛ ماجرای مصیبت‌های اینها را گفتن، یک جور ایجاد ارتباط عاطفی است؛ ماجرای مناقب اینها و فضائل اینها را گفتن، یک جور دیگر پیوند عاطفی است.^۴

۳. مودت عملی و زیارت حضوری

اهل لغت و نکته دانان، بین محبت و مودت تفاوتی موشکافانه و

۱. سوره مائده، آیه ۵۵.

۲. سوره نساء، آیه ۵۹.

۳. سوره شوری، آیه ۲۳.

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۸۸/۹/۲۲.

ظریف قائل شده اند و گفته اند: مودت، برای تثبیت و تأکید محبت و دوستی، نیاز به ابراز و اظهار دارد؛ یعنی دوستی و محبت قلبی، آن گاه که بروز و ظهور بیرونی داشته باشد، از آن به «مودت» تعبیر می شود؛ از این رو در روایت می خوانیم: «إِذَا أَحَبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَثْبَتٌ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا؛ وقتی کسی را دوست داری، به او اطلاع بده، زیرا این کار باعث تداوم و تثبیت محبت می گردد». ^۱ به تعبیر ساده، «محبت» به معنای دوست داشتن و «مودت» به معنای دوستی کردن است؛ یعنی گاهی انسان نسبت به برخی احساس انس و الفت و محبت دارد و گاه فراتر از این مرحله، این دوستی و محبت را ابراز کرده، در عمل با آنان دوستی می ورزد.

تجدید عهد

بر این اساس، حضور زائر بر مزار و تربت پاک ائمه علیهم السلام و نیز قبور مطهر امامزادگان و تجدید عهد و پیمان حضوری با آن والاقدران روزگار، دومین وظیفه ای است که هر دلباخته و محب اهل بیت علیهم السلام بر عهده دارد تا از این طریق، اعلان محبت و دوستی نماید و قدرشناسی خود نسبت به ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و اولاد معصومین علیهم السلام را ابراز نماید.

امام رضا علیه السلام می فرمود: «انَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ انَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَ مَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغَبُوا فِيهِ كَانَ أَثْمَتُهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ همانا که هر امامی، عهد و پیمانی بر گردن دوستان و شیعیانش دارد و به دوستی که وفای کامل به عهد و ادای زیبای این پیمان، با زیارت قبور آنها حاصل می شود. پس هر که آنها را از روی شوق و رغبت و باور نسبت به این شوق، زیارت کند، آنان در روز قیامت از او شفاعت

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۴۴.

خواهند نمود»^۱.

امام موسی کاظم علیه السلام نیز فرمود: «مَنْ لَمْ يَقْدِرْهُ أَنْ يَزُورَنَا فَلْيَزُرْ صَالِحِي مَوَالِينَا- يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا وَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَي صَلَاتِنَا فَلْيَصِلْ عَلَي صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ صَلَاتِنَا؛ هر کسی توانایی ندارد که به زیارت ما بیاید، پس دوستان صالح و شایسته ما را زیارت کند تا ثواب زیارت ما برای او نوشته شود و کسی که توانایی صله و نیکی به ما را ندارد، پس موالی صالح و شایسته ما را صله و نیکی کند، تا ثواب صله و نیکی به ما برای او نوشته شود»^۲.

بدون تردید، امامزادگان، فرزندان و نوادگان صالح و شایسته اهل بیت علیهم السلام، از مصادق بارز «صَالِحِي مَوَالِينَا» هستند که زیارت آنان، سفارش و تأکید شده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز بر زیارت ذریه و فرزندان خود سفارش نموده و وعده یاری و کمک اخروی به دوستداران ایشان داده است. ایشان فرمودند: «هر کس مرا زیارت کند، یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، من هم روز قیامت به زیارت او می روم و او را از هول و هراسهای قیامت می رهانم»^۳.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «هر کس که نتواند به زیارت قبر ما (امامان) بیاید، پس قبر برادران صالح و شایسته ما را زیارت کند»^۴.

نگاهی به سیره بزرگان

از آنجا که بسیاری از علما و بزرگان در قم حضور داشته و به تحصیلات علمی و معنوی پرداخته اند، از این رو به چند نمونه از پایبندی بزرگان نسبت به زیارت حضوری بارگاه منور حضرت

۱. الفصول المهمة فی اصول الائمه علیهم السلام، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۳۷۰.

۲. کامل الزیارات، ص ۳۱۹.

۳. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۳.

۴. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۱.

معصومه علیها السلام اشاره می کنیم که می تواند گویی برای زیارت دیگر امامزادگان و منتسبان به این خاندان مطهر باشد.

عارف وارسته، آیت الله میرزا جواد ملک تبریزی رحمته الله به زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام بسیار جدیت داشت؛ حتی زمانی که به شدت از بیماری قلبی رنج می برد، از خانه بیرون نمی آمد؛ مگر آنکه قبل از اذان صبح به زیارت حرم می رفت و نماز جماعت را در بالای سر به جا می آورد.^۱

آیت العظمی بروجردی رحمته الله مرتب به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف می شد و هنگام خروج از حرم مطهر آن بانو، عقب عقب می آمد و برای رعایت ادب، به ضریح، پشت نمی کرد.^۲

آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله می گوید: «حدود شصت سال است هر صبح قبل از اذان صبح به حرم مشرف می شوم و اولین زائر آن حضرتم. بعد از اقامه نماز جماعت به محضر آن بانو مشرف می شوم و عرض ادب می کنم و من هر چه دارم از عنایت کریمه اهل بیت علیهم السلام است».^۳

علامه طباطبائی (ره) در طول سال، هفته ای یک بار یا بیشتر به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف می شد؛ ولی در ماه مبارک رمضان حالت ویژه ای داشت و هر روز، قبل از افطار به زیارت آن بانوی کرامت می رفت.^۴

حضرت آیت الله بهجت رحمته الله نیز هر روز بعد از نماز صبح بانهایت ادب به محضر مقدس حضرت معصومه علیها السلام شرفیاب می شد و با

۱. شهیده غربت، ص ۱۳۴ به نقل از نشریه مبلغان، شماره ۱۶۲، زیارت کریمه اهل بیت (ع)، در سیره علما، سید جواد حسینی.
۲. سیمای فرزندگان، رضا مختاری، ص ۲۷۴.
۳. کریمه اهل بیت (س)، علی اکبر مهدی پور، ص ۲۲۲؛ فروغی از کوثر، الیاس محمد بیگی، ص ۵۵.
۴. سیمای فرزندگان، ص ۱۶۳.

احترام و خشوع تمام، در مقابل ضریح می ایستاد و بعد از اتمام زیارت در گوشه‌ای مؤدبانه می نشست و زیارت عاشورا را قرائت می کرد.

دو خاطره از امام

در طول سیزده سالی که امام خمینی رحمته الله علیه در نجف بود، به جز شب‌هایی که بیمار یا ممنوع‌السفر بود و یا به کربلا مشرف می شد، هر شب دقیقاً ساعت معینی به حرم امیر مؤمنان علیه السلام مشرف می شد. او مقید بود که متن زیارت را از روی مفاتیح بخواند. زیارت امام خیلی طولانی می شد؛ چرا که زیارت عاشورا و نماز زیارت مستحبی می خواند و بعد از اتمام نماز و دعادر کنار ضریح می ایستاد و زیارت امین الله را می خواند. امام در حال زیارت از خود بی خود می شد و اتصال روحی و معنوی با صاحب مزار برقرار می کرد.

وقتی به ایشان گفتند: بهتر است شما برنامه مخصوص برای رفتن به حرم داشته باشید؛ مثلاً هفته‌ای یک یا دو مرتبه مشرف شوید و هر شب و هر صبح به حرم رفتن برای مراجع شکل خوبی ندارد و با توجه به سن شما رعایت مسئله لازم است، چهره امام تغییر کرد و فرمود: «والله! ظلم است که کسی در کنار دریای علم امیرالمؤمنین علیه السلام باشد و تشنه بخوابد»^۱.

نیز حضرت امام تا وقتی در قم بودند، به طور مرتب هر روز پس از درس صبح و گاهی پس از درس عصر، به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مشرف می شدند و حضور در نماز جماعت ایشان هرگز ترک نمی شد و در حرم، معمولاً زیارت جامعه می خواندند.^۲

بسیاری دیگر از عرفا و بزرگان نیز به چنین شیوه‌ای مداومت داشته،

۱. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۲۴. نک: نشریه مبلغان، شماره ۷۹.

۲. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۲۸. نک: نشریه طوبی، خرداد و تیر ۱۳۸۵، شماره ۷.

به زیارت قبور امامزادگان معظم، مشرف می شدند و از برکات فراوان آنان بهره مند می شدند.

۴. تلاش برای هم‌رنگی و سنخیت

اگرچه صفت هم‌رنگی و خود را به شکل جماعت ظاهرین و متلون در آوردن، خصلتی منفی و نکوهیده و نشانه ضعف اراده و ایمان انسان است، اما بقاع متبرکه و مزار شریف امامزادگان، مکان و فرصت زیبایی است برای هم‌رنگی مثبت و معنوی برای حرکت در مسیر مورد قبول درگاه الهی.

اینجا هر قدر بیشتر هم‌رنگ شوی، بیشتر به خدا نزدیک می شوی؛ به خوبیها، به نکات مثبتی که دین و دنیا، زندگی فردی و خانوادگی، اجتماعی و حتی سیاسی راسر و سامان می بخشد و انسان را از حیرت و نابسامانی بیرون می برد.

از کلام نورانی معصومین علیهم‌السلام در می یابیم همه کسانی که به انبیا و اولیاء، به چهارده انسان کامل و برگزیده خداوند و امامزادگان و منتسبان این خاندان عشق می ورزند، همگی آنها، از جنس معشوق خویش اند و خدای حکیم، عاشقان اهل بیت علیهم‌السلام را از جنس معشوقان آفریده است. حضرت باقر العلوم علیه السلام درباره سنخیت عاشقان اهل بیت علیهم‌السلام با محبوبان می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَىٰ عَلِيٍّ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِنَا مِمَّا خَلَقْنَا وَ خَلَقَ أَوْلَادَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَكُلُّهُمْ تَهْوِي إِلَيْنَا لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِمَّا خَلَقْنَا؛ همانا خداوند ما را از اعلیٰ علیین آفرید و دل‌های شیعیان ما را از آنچه ما را آفریده، آفرید؛ و پیکرهایشان را از درجه پایینش آفریده است؛ از اینرو دل‌های شیعیان به ما متوجه است؛ زیرا از آنچه ما آفریده شده‌ایم، آفریده شده‌اند.»^۱

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹۰.

حکمت حق در قضا و در قدر
 کرد ما را عاشقان هم دگر
 جمله اجزای جهان ز آن حکم پیش
 جفت جفت و عاشقان جفت خویش
 هست هر جزوی ز عالم جفت خواه
 راست همچون کهربا و برگ کاه^۱

قابل توجه مدعیان!

ناگفته روشن است که این سنخیت و هم‌رنگی، نمودها و جلوه‌هایی نیز باید داشته باشد تا به صداقت مدعی پی برده شود. دوری از گناه، جدا شدن از عشق‌های مجازی و زودگذر، انجام واجبات و ترک محرمات، تقویت بنیان‌های اعتقادی و فکری، ولایتمداری، پرهیز از تجملات و زندگی مسرفانه، آراستگی به فضایل و دوری از رذایل اخلاقی، انجام وظایف شرعی و... همه و همه نمونه‌هایی است که به ما می‌باوراند که چنین شخصی صادقانه به دنبال محبوب و معشوق خویش است؛ و گرنه وقتی پای آزمونی در میان نباشد و ملاک تشخیصی هم در بین نباشد، هرکسی می‌تواند مدعی هم‌رنگی و سنخیت باشد.

بر این باور، وقتی کسی در مدار عشق قرار گرفت و در حیطة و قلمرو محبت اولیاء الله وارد شد، خود این حضور در مکانهای مقدسی که بانفس قدسیان و کروبیان عطر معنویت به خود گرفته است، باعث جذبۀ ای درونی و القای محبتی وصف ناپذیر برای زائر می‌گردد که چه بسا همین محبت و عطر معنویت، چاره ساز گشته، او را در مدار جدیدی قرار دهد و آغازی بر یک زندگی معنوی جدید و عاملی

۱. مثنوی معنوی - دفتر چهارم.

برای تحول و دگرگونی و قرار گرفتن در مسیر رضایت خداوند گردد؛ همانگونه که بسیاری از زائران با قرار گرفتن در این شعاع معرفت و محبت اهل بیت علیهم السلام، نور معنویت بر دلهاشان تابید و زندگی جدیدی را آغاز کردند.

یک نشانه

چه زیباست که پس از زیارت، انسان در خود این تحول و دگرگونی معنوی جدید بیابد و شوق و رغبت نسبت به ترک گناه و انجام دستورهای خداوند، در وجودش زیانه کشد که این خود نشانه و علامتی است از توجه صاحب مزار به زائر، برای یک زیستن جدید و خداپسند تا پیمان ناگستنی ببندد و چنین فریاد کشد:

از ازل بست دلم با سر زلفت پیوند

تا ابد سر نکشم و ز سر پیمان نروم^۱

۵. کمک به آبادانی اماکن مقدسه

یکی از باورهای زیبای قرآنی که عمل به آن باعث شادابی معنوی و باروری روحیه تقوا و پرهیزگاری در انسان می گردد، تعظیم شعائر الهی است. قرآن مجید می فرماید: «وَمَنْ يُعْظَمْ شُعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ هر کس شعائر الهی را تعظیم و تکریم کند، آن نشانه تقوای دلهاست»^۲.

شعائر یعنی «علامت ها و نشانه ها» و مقصود از شعائر الهی، نشانه های دین خداوند است و لذا مفسران، آیه را چنین تفسیر می کنند: «مَعَالِمَ دِينِ اللَّهِ وَالْأَعْلَامُ الَّتِي نَصَبَهَا لِبَطَاعَتِهِ؛ نشانه های دین خدا و

۱. حافظ

۲. سوره حج، آیه ۳۲.

علامت هایی برای هدایت به سوی بندگی و طاعت خدا^۱.
 به طور حتم، قبور ائمه علیهم السلام و نیز امامزادگان و بزرگان دین، علامت
 ها و نشانه هایی به سوی خدا و احیا کننده روحیه تقوا و خداخواهی
 در انسان هستند و از این رو، این مکان های مقدس، از مصادیق بارز
 شعائر الهی است که تعظیم و تکریم آن بر مؤمنان و خداپاوران، لازم و
 ضروری است.

صیانت از شعائر الهی

یکی از راههای اساسی تعظیم این شعائر، بازسازی و نوسازی قبور
 انبیا، روضه منوره امامان علیهم السلام، امامزادگان و اولیاء عالی همیاری در
 تعمیر قبور ایشان است که زائران می توانند از راههایی همانند نذورات
 مالی و نیز وقف کردن بخشی از دارایی برای تعمیر قبور امامزادگان
 و الامقام، در بزرگداشت، حفظ آثار و صیانت از اندراس و فرسودگی
 قبور آنها شریک گردند و ضمن تقویت تقوای الهی، مشمول تشویق
 ها، پاداش ها و ضمانت های پیامبر صلی الله علیه و آله درباره زائران و و آبادگران
 قبور ائمه علیهم السلام و فرزندان آنها گردند، آنجا که خطاب به امیرالمؤمنین
 علی علیه السلام فرمودند: «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ قَبْرَكَ وَ قَبْرَ وُلْدِكَ
 بَقَاعًا مِنْ بَقَاعِ الْجَنَّةِ وَ عَرَصَةً مِنْ عَرَصَاتِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ نُجَبَاءِ
 مَنْ خَلَقَهُ وَ صَفْوَةَ مِنْ عِبَادِهِ تَحَنُّ إِلَيْكُمْ وَ تَحْتَمِلُ الْمَذَلَّةَ وَ الْأَذَى
 فَيَعْمُرُونَ قُبُورَكُمْ وَ يَكْتُمُونَ زِيَارَتَهَا تَقَرُّبًا مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ وَ مَوَدَّةً مِنْهُمْ
 لِرَسُولِهِ أُولَئِكَ يَا عَلِيُّ الْمَخْصُوصُونَ بِشَفَاعَتِي الْوَارِدُونَ حَوْضِي وَ هُمْ
 زُوَّارِي غَدَا فِي الْجَنَّةِ يَا عَلِيُّ مِنْ عَمَرَ قُبُورَكُمْ وَ تَعَاهَدَهَا فَكَأَنَّمَا أَعَانَ
 سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عَلَى بِنَاءِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَ مَنْ زَارَ قُبُورَكُمْ عَدَلَ ذَلِكَ
 ثَوَابَ سَبْعِينَ حَجَّةً بَعْدَ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ وَ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ حَتَّى يَرْجِعَ مِنْ

۱. نک: مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۰؛ تفسیر المیزان، علامه سید حسین طباطبائی،
 ج ۱۴، ص ۳۷۳.

زِيَارَتِكُمْ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ فَأَبْشِرْ وَبَشِّرْ أَوْلِيَاءَكَ وَ مُحِبِّيكَ مِنَ النَّعِيمِ وَ قَرَّةِ الْعَيْنِ بِمَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ؛ یا علی! به خدا قسم تو در سرزمین عراق به شهادت می رسی و در همان مکان دفن خواهی شد و خداوند متعال مزار تو و فرزندان تو را بقعه‌ای از بقعه‌های بهشتی قرار می دهد و قلوب جوان مردانی از مخلوقات خود و برگزیدگان از بندگانش را مشتاق به سوی شما قرار می دهد، به گونه‌ای که هر نوع رنج و ذلت در راه شما را تحمل می کنند و قبرهای شما را آباد می کنند و با انگیزه تقرب به خدا و دوستی رسول خدا ﷺ فراوان به زیارت شما می آیند.

یا علی (ع)! فردای قیامت، شفاعت خاص من شامل اینها است و اینها وارد برحوض می شوند و زیارت کنندگان من خواهند بود.

یا علی! هر کس قبرهای شما را آباد کند و با آنها مأنوس باشد، مانند کسی است که به حضرت سلیمان (ع) در ساختن بیت المقدس کمک کرده است و هر کس قبور شما را زیارت کند، ثوابش معادل حج واجب و هفتاد حج دیگر پس از آن است و وقتی بر می گردد از گناهانش بیرون می رود، مانند کسی که از مادر متولد شده است. پس بشارت باد تو و دوستان تو را به نعمت‌ها و چشم‌روشنی‌هایی که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به دل کسی خطور کرده است.^۱

فرستی مغنم

بنابراین، ارزش، فضیلت و ثواب تعمیر قبور امامزادگان مورد تأیید قرآن کریم و سفارش پیشوایان است و دوستداران اهل بیت (ع) نباید از این ثواب مهم غفلت نمایند؛ چرا که افزون بر بخشیده شدن گناهان و قرار گرفتن در زمره‌ی تعظیم کنندگان شعائر الهی، خود رسول الله ﷺ ضامن آمدن، دیدار نمودن و نگه داشتن زائرین آن امامزادگان از هول و ۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۰.

وحشت قیامت شده اند و در روزی که «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ» روزی که نه مال سود می دهد و نه فرزندان،^۱ آن حضرت یاور و دستگیر تعمیر کنندگان قبور این بزرگواران شده، فریادرس آنان خواهند گردید؛ لذا باید این فرصت را مغتنم شمرد و و خود را از این فیض بزرگ محروم نکرد.

۶. پاسداشت آموزه های دینی

اگرچه هر مسلمانی موظف است که در هر زمان و مکانی که قرار دارد، مقید به احکام و آداب اسلامی باشد و خود را از ناهنجاریهای اخلاقی و رفتاری دور نگه دارد، ولی عقل، متانت و ادب دینی و اخلاقی انسان اقتضا می کند که هنگام حضور در پیشگاه بزرگان و به ویژه آنان که منتسب به دین و آموزه های و حیانی و نیز منتسب به خاندان پاک و ذراری رسول خدا و ائمه علیهم السلام هستند، حرمت و ادب را بیش از دیگر مکانها رعایت نماید.

تمرین باورهای زیبا

زائر این اماکن مقدس به خوبی می داند که این بزرگواران بیش از همه نسبت به واجبات و محرمات الهی اهتمام داشته و به پاسداشت مقررات دینی و دوری از گناه تأکید می ورزیدند؛ از این رو حضور در این بقاع متبرکه و حریمهای نورانی که به تعبیر روایات، محل آمد و شد فرشتگان و خوبان و مورد نظر و عنایت اهلبیت علیهم السلام است، در واقع یادآوری باورهای زیبای دینی همانند رعایت عفت و حیا، حفظ حجاب، اقامه نماز اول وقت، مراقبت و حفاظت بیش از پیش نسبت به نسل و ناموس، کسب حلال، کنار گذاشتن موسیقی های حرام و تمام بایددها و نبایدهایی است که در آموزه های دینی ذکر شده است.

۱. سوره شعراء، آیه ۸۸.

۷. بازخوانی و پایبندی به یک اصل

در طول تاریخ پر فراز و نشیب شیعه، یکی از اهداف و برنامه های امامان معصوم علیهم السلام و نیز امامزادگان، سادات و علویان، مبارزه با طاغوتها و حاکمان ظالم زمان بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر عملی بود تا با تشکیل حکومت اسلامی و شیعی، احکام نورانی تشیع اجرا گردد و دوستان و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بتوانند با خیالی آسوده به آداب دینی بپردازند و اسلام حقیقی را در سایه سار حکومت شیعی، پیاده و اجرا نمایند.

اکنون ما در زمانه ای قرار گرفته ایم که به فضل الهی، آرزوی دیرینه آن بزرگواران تحقق یافته و حکومتی شیعی و اسلامی بر مبنای احکام اسلامی و فقه شیعی در حال اجرا است؛ از این رو همه ما وظیفه داریم به احترام خون این عزیزان و پاسداشت یاد و مرام آنان، از ولایت فقیه، حکومت اسلامی و رهبری معظم آن امام خامنه ای (حفظه الله) حمایت نماییم تا این حکومت به دست صاحب اصلی آن یعنی حضرت حجت صاحب الزمان علیه السلام برسد و مدینه فاضله موعود تشکیل شده و مردم به حیات طیبه و زندگانی پاک و زیبای اسلام حقیقی، در پرتو ولایت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله برسند. إن شاء الله

آفات زیارت



پرده ششم:



اگرچه برای هر مسافرتی باید مراقبت‌ها را در بالاترین سطح خود به انجام رساند و خود را از خطرات و آفات احتمالی دور نگه داشت، اما در سفر زیارتی از آنجا که نوعی دعوت از طرف صاحب مزار و کشش و جذبۀ عاطفی، زائر را به استشمام عطر معنویت فرامی‌خواند، از این رو زائر این اماکن مقدس باید افزون بر مراقبت از جسم، از قلب و روح خویش نیز برترین و کامل‌ترین حراست و حفاظت را انجام دهد تا ظرف روح و جاننش، با بهترین آذوقه‌های معنوی، توشه‌های خداخواهی و زیورهای تقوا آراسته گردد و دگرگونی و تحولی حقیقی در او پدیدار گردد؛ در غیر این صورت، زائر مبتلا به برخی آفت‌ها شده، چون لذت‌خوش معنوی بر مشام‌جانش نرسیده، بیشترین وقت خویش را صرف تماشا و خوشگذرانی خواهد نمود و بدون هرگونه تغییر و تحول معنوی، سفرش پایان خواهد پذیرفت.

بر این اساس، آشنایی با این آفت‌ها، باعث مصونیت زائر و بهره‌مندی بیشتر او خواهد شد که به چند مورد از آفات اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت.

۱. امامزاده‌های خیالی

مردی درباره زندگی پیامبران صحبت می‌کرد. در ضمن صحبت‌هایش گفت: «حضرت امامزاده یعقوب را در مصر، بالای گلدسته، شغال

خورد».

یکی از مستمعین گفت: «حضرت آقا! آنکه می‌گویی، امامزاده نبود و پیغمبرزاده بود. یعقوب نبود و یوسف بود. در مصر نبود و در کنعان بود. بالای گلدسته نبود و ته چاه بود. شغال نبود و گرگ بود؛ و اصلاً خوردنی در کار نبود و قضیه دروغ بود».

گاهی برخی با جعل شجره نامه و مانند آن یا بیان خواب و رؤیایی دروغین و حتی گاهی با اجاره افرادی به عنوان شفا یافته، امامزاده ای جدید تاسیس نموده و در ابتدای ورودی آن، صندوق نذوراتی بزرگ و پررنگ قرار می‌دهند تا پیش از زمان برملا شدن حقیقت، کاسبی جانانه ای به هم زده و از صداقت، پاکی دل و عواطف زلال مردم نسبت به خاندان ولایت و عصمت علیهم‌السلام، برای خود کیسه‌ای بدوزند.

بر این اساس، اولین آفت و خطر پیش روی زائر، امامزادگان جعلی و خودساخته توسط برخی افراد نادان یا سودجو است که در این موارد، قبل از آگاه شدن از حقیقت ماجرا، نباید به شایعات اعتماد کرد و لازم است با مسئولین مربوطه هماهنگی و اطلاع‌رسانی لازم انجام شود تا در دام فریبکاران و کاسبان دروغین و امامزاده سازان شیاد، نیفتاد.

۲. چیرگی سیاحت بر زیارت

آفت رایج دیگر زیارت این است که برخی اوقات جنبه های سیاحتی، بر اصل زیارت سایه افکنده، انسان را به فضاهایی می‌کشاند که با زیارت سنخیتی ندارند؛ بازدید از مراکز سیاحتی و جذابیتهای موجود در مکان های زیارتی، موزه ها، باغ وحش ها و... به گونه ای هستند که برخی اوقات وقتی بازدید و سیاحت به پایان رسید، در کنار آن زیارتی هم انجام می‌گیرد، تا معنای سفر سیاحتی و زیارتی، دچار خدشه نشود!

گاه این آفت چنان پررنگ می شود که حضور در آن مکان، مهم تر از شرفیابی و عرض ارادت به محضر آن امامزاده تلقی می شود و زائر برای کاسته نشدن از وقت تفریح و خوشگذرانی خود، به زیارت و سلامی از راه دور بسنده می نماید.

محو شدن در آثار ظاهری مکان های مقدس، کتیبه ها و نوشته جات حرم ها، معماری و مانند آن، همگی در این راستا قابل بحث هستند و نشانه آن، عدم تغییر روحی و روانی زائر است که در این مسئله، وجدان هر فرد، بهترین قاضی خواهد بود.

۳. انتظارات نامعقول

یکی از آفات زیارت، داشتن انتظار نامعقول از مزور (زیارت شونده) است. برخی زائران می خواهند همه گونه مشکل و سختی را که با آن دست به گریبانند، با یک زیارت از سر راه برداشته شود؛ به گونه ای که آنهانه هیچ گونه سختی در زندگی داشته باشند، نه از بیماری رنج ببرند و نه کمبودی در زندگی داشته باشند و هر حاجت و خواسته ای هم که اعلان کردند، فوری برآورده گردد.

واقعیت این است که گاه انسان با نادیده گرفتن احکام شرعی و دور افتادن از سبک زندگی اسلامی، با دستان خود بر زندگی خویش گره های متعدد می زند، سپس انتظار دارد با یک زیارت و واسطه قرار خوبان در گاه الهی، سنت ها، حکمت ها و مصلحت های الهی نادیده گرفته شود و تمام مشکلات برطرف گردد.

فرد گرفتاری که تا امروز در زندگی خود بی اعتنا به بایدها و نبایدهای شرعی بوده و از هیچ گناهی پرهیز نمی نموده است، نباید توقع رفع همه گرفتاریها را داشته باشد، اگرچه این خاندان، اهل کرم و فضل هستند و بسیاری از گره ها و مشکلات را برطرف می نمایند،

اما زائر نیز نباید توقع نامعقول یا خلاف مشیت و خواست پروردگار داشته باشد. یکی از ظلمهایی که برخی افراد در حق این بزرگواران انجام می دهند، تقسیم امامزاده به امامزاده خوب یا بد است. برخی که هدفی جز روا شدن حاجت ندارند، به محض آنکه حاجتش برآورده نشد، دیدگاهش نسبت به این خاندان تغییر می کند و امامزاده ای که حاجتش را روا نماید، خوب و بزرگوار می نامد و هر جا حاجتش را نگرفت، به جای آنکه در خود شک کند، امامزاده بزرگوار را مورد تهمت قرار می دهد!

ضمن آنکه تنها به قصد گرفتن حاجت به دیدار خوبان رفتن، ناشی از عدم معرفت است؛ چه خوب است انسان برای پاسداشت مقام اهل بیت علیهم السلام و امامزادگان و احترام به مرام و مقام والای آنان، به پابوس آنان برود و زیارتی عارفانه و از سر شور و شوق و عاطفه داشته باشد، نه طمعکارانه و خودخواهانه.

۴. ارتکاب گناه

زیارت، با همه آثار، دستاوردها و پاداشی که دارد، عملی مستحب است و زائر نباید به بهانه زیارت، در دام گناه بیفتد و به جای آنکه روح و جان خویش را معطر به عطر خوش معنویت و طهارت روحی نماید، غبار و تیرگی گناه و معصیت، روحش را چرکین و آلوده نماید. به راستی چه تلخ و ناگوار است اگر زائر زحمت پیمودن دامنه های پرسنگلاخ و مسیرهای پر پیچ و خم را تحمل کند، اما صرفاً فیزیک وجودش این مسیر را در نور دیده باشد و بارتکاب گناه، وجود راستین و باطن معنوی آنان همچنان در دره های جهل و غفلت آرمیده و در مرداب ضلالت و باتلاق گمراهی باقی بماند.

«اتَّقِ اللَّهَ فَإِنَّا بَلَّغْنَا مَا بَلَّغْنَا بِالتَّقْوَى فَمَنْ لَمْ يَتَّقِ وَلَمْ يَرِاقِبْهُ فَلَيْسَ مِنَّا

وَ لَسْنَا مِنْهُ؛ از خدا پروا داشته باش. ما به هر مقامی که رسیده‌ایم، به خاطر تقوا و پروا پیشگی است. کسی که از خدا پروا نداشته باشد و مراقب حضور او نباشد، از مانیت و ماهم از او نیستیم (و با ما نسبتی ندارد).^۱

این سخن ناب و نغز امام رضا علیه السلام است؛ امامی که دل‌های عاشقان برای زیارتش لحظه شماری نموده و سختی‌ها را به جان می‌خرند تا لحظاتی را در صحن مقدسش سپری نمایند، چشم در چشم حرم بدوزند و با امامشان سخن بگویند.

بنابراین، برای بهره‌مندی هر چه بیشتر از برکات زیارت، التزام و پایبندی به عبودیت پروردگار و انجام واجبات و ترک معصیت، باید جلوه‌ای برجسته در زائر این اماکن مقدس داشته باشد؛ چرا که مقام و منزلتی که ائمه هدی علیهم السلام و امامزادگان از جمند نزد خدای متعال به دست آورده‌اند، همگی به برکت بندگی آنان در برابر پروردگار متعال و ترک گناه بوده است.

۵. تحمیل هزینه‌های اضافی

هدیه دادن و آوردن سوغاتی از سفر، سنت پسندیده و سفارش ائمه اطهار علیهم السلام است؛ همان‌گونه که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه مسافرت رفتید، به مقدار توان برای خانواده خود هدیه بیاورید، هر چند آن هدیه [ارزش] سنگ [را داشته] باشد».^۲

اما باید توجه داشت خرید هدایا و سوغات نباید به زائر فشار مالی و روانی آنچنانی وارد کند که لذت زیارت را از او بگیرد و کام او را تلخ نماید، لذا امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «از صرف بودجه‌های غیر ضروری

۱. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۷۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۵۹، ح ۱۵۲۵۹.

در حج صرف نظر کن تا نشاط حج در تو همچنان زنده بماند.^۱
 پیامد ناگوار تحمیل هزینه های اضافی در زیارت، چشم پوشی از
 اصل زیارت، به بهانه مخارج گزاف و هزینه های بسیار آن خواهد بود
 و برخی افراد، از ترس خرجهای اضافهای که باید برای خرید سوغات
 و امثال آن هزینه کنند، اصل زیارت را قربانی فرع سوغات می نمایند
 و خود و خانواده شان، از فضائل و برکات حضور در اماکن مقدسه،
 محروم می گردند.

۱. «اقلل النَّفَقَةَ فِي الْحَجِّ تَنْشَطُ لِلْحَجِّ وَ لَا تَكْثُرُ النَّفَقَةُ فِي الْحَجِّ فَتَمَلَّ الْحَجَّ». کافی،
 ج ۴، ص ۲۸۰.

مخالفان زیارت



پرده هفتم:



دشمنان حقیقت

حق و حقیقت همواره با دشمنان متعددی مواجه است که بدترین آنها دشمنانی است که از درون، همانند خورهای بر جان حقایق میافتند و با کج اندیشی و تحجّر، حقایق ناب و اصیل آموزه های دینی را انکار می نمایند که مصداق بارز این حقیقت، تفکر تکفیری و هابیت است که به نام دین، بدترین صدمات و لطمه ها را بر چهره زیبای اسلام رحمت و رأفت، وارد می سازند و با انکار زیارت و کافر دانستن زائران، بدترین توهین ها را در حق آنها روا داشته، مستحق قتل و کشته شدن می پندارند.

جالب آنکه پیامبر اعظم ﷺ نیز این مسئله را پیش بینی و در حدیثی مفصل خطاب به امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «خداوند متعال مزار تو و فرزندان تو را بقعه ای از بقعه های بهشتی قرار می دهد و قلوب جوان مردانی از مخلوقات خود و برگزیدگان از بندگانش را مشتاق به سوی شما قرار داده به گونه ای که هر نوع رنج و ذلت در راه شما را تحمل می کنند و قبرهای شما را آباد می کنند...»

آن گاه پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «و لکن حُثَالَةٌ مِنَ النَّاسِ يَعْيِرُونَ زُورًا قُبُورَكُمْ بزيارتكم كما تُعَيِّرُ الزَّانِيَةَ بزيارتها، اولئك شرارُ أمتي لا نالتهم شفاعتي ولا يرُدُّونَ حَوْضِي؛ اما گروهی نادان و نابخرد، زائران قبور

شمارا به دلیل زیارتشان چنان سرزنش می کنند که زنان بدکار و زناکار را به خاطر گناهانشان سرزنش می کنند. اینان اشرار امت من هستند که شفاعت من به آنها نخواهد رسید و در کنار حوض کوثر بر من وارد نخواهند شد»^۱.

نقطه آغاز انحراف

سیره ی مسلمانان تا قرن دوازدهم چنین بود که خاطره بزرگان اسلام را گرامی می داشتند، آنها را به درگاه الهی شفیع قرار می دادند، روی قبور آنان، قبه و بارگاه می ساختند، برای زیارت قبور آنان از راه دور و نزدیک می شتافتند، به آنها توسل می جستند، برای آنها نذر می کردند و قربانی می نمودند، قبور و ضریح آنها را می بوسیدند و به آنها احترام می گذاشتند.

در این قرن، شخصی به نام محمد بن عبدالوهاب (۱۱۱۱-۱۲۰۷ق)، با حمایت استعمار، در عربستان ظهور کرد و همه امور یاد شده را به عنوان مظاهر شرک، قذغن و تحریم نمود و هر کس را که با عقیده او موافق نبود، کافر و واجب القتل دانست.

او با کمک «محمد بن سعود» جد آل سعود، قتل و غارت راه انداخت و بارها به کربلا و نجف، لشکرکشی کرده و بسیاری از مردم بی گناه را شهید و قبر امام حسین علیه السلام و سایر شهدا را خراب و مورد هتک قرار دادند و اموال گرانبهای حرم و خانه های مردم را غارت کرده، میان خود و سربازانشان به عنوان غنیمت تقسیم کردند.

آنها همچنین، بارها به مکه و مدینه حمله کرده، گنبدها و ساختمانهای گورستان خبة العلی و قبور ابوطالب و عبدالمطلب و خدیجه و فرزندان پیغمبر و گنبد زادگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ابوبکر و علی علیه السلام و

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۰.

حضرت خدیجه ع را خراب کردند و در مدینه نیز همه گنبدها و زیارتگاه ها و قبور صالحان را ویران کرده و با خاک یکسان نمودند. مزار حمزه، شهدای احد، ائمه چهارگانه بقیع (امام حسن، امام زین العابدین، امام باقر، امام صادق ع)، مرقد های عباس عموی پیغمبر، عبدالله و آمنه پدر و مادر آن حضرت، همسران آن بزرگوار، قبر اسماعیل امام اسماعیلیه، قبر مالک و... نمونه هایی بودند که به این بهانه تخریب شدند. چه بسا اگر ترس از امت اسلام نبود، قبر پیامبر اعظم ص را نیز خراب می کردند.

گوشه ای از تفکرات وهابیت

این افکار عبدالوهاب، برگرفته از افکار شخصی به نام «ابن تیمیه» بود که در قرن هشتم هجری زندگی می کرد. «ابن تیمیه» معتقد بود: مشاهدی که بر روی قبور انبیا و صالحین از عامه و اهل بیت ع بنا شده، همه از بدعت های حرامی است که جزء اسلام نبوده و در دین اسلام وارد شده است.^۱

او می گفت: شیعه، مشاهدی را که روی قبور ساخته اند تعظیم می کنند، شبیه مشرکین در آنها اعتکاف می کنند، برای آنها حج انجام می دهند، همان گونه که حجاج به سوی بیت عتیق حج انجام می دهند.^۲ به نظر ابن تیمیه، هر گونه زیارت قبور، چه قبر پیامبر ص و غیر آن، شرک و حرام است.^۳ همچنین مسح و بوسیدن هر قبری، ولو قبر پیامبران، شرک است.^۴

او زمانی که این مطالب را آشکار کرد، علما و بزرگان شیعه و سنی،

۱. منهاج السنه، ابن تیمیه، ج ۲، ص ۴۳۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۷۴.

۳. همان، ص ۵۴.

۴. الجامع الفرید، ص ۴۳۸.

به مخالفت شدید با افکار شیطانی او برخاسته، مردم را نسبت به فتنه او آگاه کردند و موفق شدند تا حدودی مقابل پیشروی این افکار را بگیرند.

تداوم فتنه

پس از چند قرن، بار دیگر این افکار توسط عبدالوهاب و با حمایت‌های دشمنان اسلام و حامیان سعودی آنان احیا شد و امروزه نیز در قالب گروه‌های تکفیری همانند طالبان و داعش، در حال خدمت به دشمنان اسلام و مبارزه با شیعیان و آموزه‌های اصیل دینی هستند. آنان هر جا که نمادی از دین، باورهای شیعی، گنبد و بارگاه و مانند آن ببینند، تخریب می‌کنند و زائران مؤمن را به کفر و شرک متهم کرده، فتوای قتل آنان را صادر می‌نمایند. این رفتار آنان، ریشه در کج فهمی‌های جاهلانه «محمد بن عبدالوهاب» دارد که معتقد بود:

هیچ مسلمانی نباید به قصد زیارت، به قبر پیامبر ﷺ نزدیک شود و بر قبر دست بگذارد.

نایب کنار قبر دعا کند، نماز بخواند، مسجد و بنا بسازد و برای آن نذر کند.

هر کس از پیامبر ﷺ طلب شفاعت نماید، مانند این است که از بتها شفاعت خواسته است.

هیچ کس حق ندارد به رسول خدا ﷺ سوگند یاد کند و از الفاظی مانند: به حق محمد و مانند آن استفاده نماید.

زیارت قبور و ساختن گنبد و بنا بر آنها و تزئین قبور و سنگ و کتیبه نهادن بر آن و نیز چراغ و شمع گذاشتن بر آن، شرک است.^۱

تعمیر قبور و ساختن بنا بر روی قبر پیامبر و اولیای الهی حرام است

۱. نک: فرهنگ فرق اسلامی، صص ۴۵۷-۴۶۱.

ولازم است این گونه بناها تخریب شوند.

تشییع جنازه و سوگواری، اقامه عزا و مجالس فاتحه حرام است.^۱

ابن تیمیه، دشمن حضرت علی

نکته قابل تأمل و تلخ این نگرش، واکاوی علت مخالفت و دانستن چرایی بیان این افکار جاهلی است که چیزی نیست جز دشمنی ابن تیمیه، عبدالوهاب و دنباله روهای آنها، نسبت به اهل بیت علیهم السلام و شخص امیرالمؤمنین علیه السلام؛ به گونه ای است که ابن تیمیه احادیث مشهوری را که درباره فضائل آن حضرت نقل شده را دروغ می داند و حتی درستی حدیث مشهور غدیر را انکار می نماید و این گونه، خباثت باطنی و بغض خود را نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، ابراز می نماید.^۲

وهابیت، پیروان بنی امیه

نکته مهم دیگری که در مورد این جریان افراطی و متحجر وجود دارد، این است که با کنار هم قرار دادن برخی از نقل های تاریخی، به روشنی می توان ادعا نمود که وهابیت امروزی، دنباله رو همان بنی امیه و ادامه دهنده همان روش خصمانه هستند و وجه مشترک آنان، دشمنی و بغض نسبت به آل علی علیهم السلام و فرزندان و سلاله طاهربین ایشان علیهم السلام است.

این سه نقل تاریخی، گویای بسیاری از حقایق می باشد:

یک: به نقل تاریخ، «مروان بن حکم» که از تبار منحوس و نفرین

۱. برای اطلاع بیشتر از عقاید وهابیت، مطالعه کتابهای زیر می تواند مفید و راهگشا باشد: ۱- آیین وهابیت، آیت الله سبحانی. ۲- وهابیت بر سر دوراهی، آیت الله مکارم شیرازی؛ ۳- سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، نشر مسجد مقدس جمکران؛ ۴- وهابیان را بهتر بشناسیم، علی اصغر رضوانی، دلیل ما، قم و....

۲. نک: منهاج السنّه، ج ۷، ص ۳۱۹.

شده‌ی بنی امیه بود، اولین فردی بود که از زیارت جلوگیری نمود. او وقتی دید شخصی صورت خود را بر قبر پیامبر ﷺ گذاشته است، با شتاب سوی او آمد و گردن او را گرفته، از جای بلند کرد و گفت: می‌دانی چه می‌کنی؟!

منظور وی این بود که چرا به زیارت سنگ و کلوخ آمده‌ای! زائر که «ابوایوب انصاری» - از صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله) - بود، گفت: آری خوب می‌دانم که چه می‌کنم! من هرگز به زیارت سنگ و خشت نیامده‌ام، بلکه به زیارت پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمده‌ام.^۱

دو: «حجاج بن یوسف»، همان خونخواری که شیعیان بسیاری را به شهادت رساند، هنگامی که به امارت عراق منصوب شد، موقع ترک مدینه گفت: «خدا را سپاس می‌گویم که مرا از این شهر گنده بیرون می‌برد. این شهر از همه شهرها پلیدتر و مردم آن نسبت به امیرالمومنین [منظور وی عبدالملک مروان است]، دغلكارتر و گستاخترند. اگر سفارش امیرالمومنین نبود، این شهر را با خاک یکسان می‌کردم. در این شهر جز پاره چوبی که منبر پیامبر خوانند و استخوان پوسیده‌ای که قبر پیامبر می‌دانند، چیزی نیست»!!^۲

سه: عجیب اینکه نقل شده که محمد بن عبدالوهاب نیز بر سر قبر رسول الله ﷺ می‌رفت و با عصای خود بر قبر آن حضرت می‌زد و می‌گفت: «یا محمد! قُمْ اِنْ كُنْتَ حَيًّا؛ ای محمد! اگر زنده‌ای برخیز».

او با این حرکت می‌خواست به پیروان خود نشان دهد که پیامبر ﷺ زنده نیست و نباید از او حاجت خواست،^۳ در حالی که با انکار زندگی و حیات پس از مرگ، کفر و عناد خویش را آشکار ساخت.

۱. وفاء الوفا ج ۴، ص ۱۴۰۴؛ مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۵۶۰.

۲. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۴، ص ۳۵۹؛ تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان اموی، دکتر سید جعفر، شهیدی، ص ۱۸۲.

۳. فرهنگ فرق اسلامی، ص ۴۶۰.

پاسخی کوتاه

اگرچه این گونه اوهام و پریشان گویی وهابیت جاهل، خللی در باورهای اصیل و زیبای شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم السلام ایجاد نخواهد کرد و آنان با تمسک به قرآن، سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و الگو گرفتن از پیشوایان راستین خویش، محبت به مولای متقیان و فرزندان ایشان علیهم السلام را با هیچ متاعی معاوضه نخواهند کرد، اما برای آشنایی با حقیقت تاریخی بحث زیارت، برخی از آموزه های اصیل و نکات تاریخی را مورد اشاره قرار می دهیم و در پاسخ می گوئیم:

رفتن به زیارت و ساختن گنبد و بارگاه و یا بنای بر قبور توسط شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام، به جهت عمل به دستور قرآن کریم مبنی بر تعظیم شعائر الهی، پاسداشت آموزه های دینی و خضوع در مقابل مقام بلند کسانی است که خداوند در قرآن کریم از آنان به نیکی یاد کرده، تبعیت از آنان را نشانه ایمان و تقوا دانسته است.^۱

ضمن اینکه هیچ شیعه‌ای از نماز خواندن در این بیوت مقدسه، بنا و تعمیر قبور، روشن کردن چراغ و مانند آن، حتی به ذهنشان نیز پرستش و اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت آنان خطور نمی کند، بلکه همانگونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «به زیارت قبور بروید که یادآور سرای آخرت است»^۲ و در دیگر سخن خود می فرماید: «به زیارت قبور بروید، زیرا در آن برای شما درس عبرت است»^۳ شیعه با هدف تکریم و پاسداشت مقام آنان و عبرت آموزی و دیگر دلایل معقول و مشروع، به زیارت قبورشان می روند.

۱. قرآن مجید می فرماید: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَاَنَّهُا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ هر کس شعائر الهی را تعظیم و تکریم کند، آن نشانه تقوای دلها است». سوره حج، آیه ۳۲.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۰۰، حدیث ۱۵۶۹.

۳. کنز العمال، متقی هندی، ج ۱۵، ص ۶۴۷، حدیث ۴۲۵۵۸.

سیره پیامبر ﷺ و بزرگان

نگاهی به تاریخ به ما می‌باوراند که زیارت، توسل، نذر، ساختن گنبد و بارگاه و مانند آن، عملی مورد تأیید آخرین فرستاده خدا، حضرت محمد ﷺ و جانشینان برحق ایشان بوده و آن بزرگواران، در سخن و سیره خودشان، همگان را به زیارت قبور و عرض حاجت و واسطه قرار دادن خوبان، سفارش می‌نمودند.^۱

به گواهی تاریخ، پیامبر ﷺ با گروهی از مردم به سوی قبرستان رفت و چگونگی زیارت و دعا به مؤمنان را این گونه آموزش داد: «السَّلَامُ عَلَيَّ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ أَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ؛ درود بر شما مؤمنان و مسلمانان که در این دیار آرمیده‌اید. ما نیز اگر خدا بخواهد، به شما ملحق خواهیم شد، شما پیشرو قافله ما هستید و ما نیز پیروتان خواهیم بود، از خداوند بزرگ عافیت می‌خواهیم».^۲

همچنین، رسول خدا ﷺ در آغاز هر سال، به زیارت قبور شهدای اُحُد می‌آمد و می‌فرمود: «درود بر شما به خاطر صبر و مقاومتی که از خود نشان دادید، پس خانه عاقبت شما نیکوست».^۳

حضرت فاطمه زهرا عليها السلام نیز هر جمعه به زیارت قبر عموی خود حضرت حمزه می‌رفت و در آنجا نماز می‌خواند و گریه می‌کرد.^۴

همچنین امام حسین عليه السلام در هر شامگاه جمعه، قبر برادرش امام

۱. قرآن نیز می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ؛ ای اهل ایمان، از خدا پروا کنید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید». سوره مائده، آیه ۳۶.

۲. الغدير، ج ۹، ص ۲۸۳؛ صحیح مسلم، ج ۳، باب ما یقال عند دخول القبور، ص ۶۵.

۳. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۹۳۰.

۴. وفاء الوفاء، ج ۲، ص ۹۳۲؛ مستدرک حاکم، ج ۱ ص ۳۷۷؛ السنن الکبری، ج ۴، ص ۱۳۱.

حسن علیه السلام را زیارت می کرد.^۱

خلیفه دوم و پسرش عبدالله نیز به هنگام بازگشت از سفر، ابتدا قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را زیارت می کردند.^۲

عجیب تر اینکه در روایات وارد شده است که حتی خود امامان علیهم السلام به دیگر معصومین متوسل می شده‌اند و آنان را در درگاه الهی، واسطه قرار می دادند. «داود رقی» می گوید: بسیار می شنیدم که امام صادق علیه السلام در دعاهای خود خداوند را به حق پنج تن قسم می داد.^۳ یا هرگاه امام باقر علیه السلام دچار تب می شدند، از پارچه‌های که با آب سرد مرطوب شده بود، استفاده می‌کردند و برای شفای خویش به مادرشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام توسل می‌جستند و با صدای بلند می‌گفتند: «یا فاطمة بنت محمد».^۴

سخن در این باره بسیار است و دلایل قرآنی، عقلی و شواهد تاریخی آن چنان فراوان و متعدد است که جای هیچ شک و شبهه‌ای در زیبایی باور زیارت قبور امامان و امامزادگان باقی نمی‌گذارد؛ اگرچه بهره‌جستن از استدلال و استفاده از منطق برای افرادی که خود را به خواب جهالت و نادانی زده‌اند، بی‌فایده است و ذات ناپاک، عقل منجمد و قلوب وحشی و خشن و هابیت تکفیری، پذیرای چنین لطایفی نخواهد بود.

وهابی و دانشجوی آگاه

هر ساله تعداد زیادی از دانشجویان کشور ایران در قالب عمره دانشجویی راهی سفر حج شده و به زیارت خانه خدا، حرم نبوی صلی الله علیه و آله

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۷.

۲. شفاء السقام، ص ۴۴؛ وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۴۰.

۳. کافی، ج ۲، ص ۴۲۲.

۴. همان، ج ۸، ص ۱۰۹.

و امامان معصوم علیهم السلام مشرف می شوند. فرقه وهابیت به مبلغین فارسی زبان خود دستور داده که با علما و روحانیت شیعه بحث و مناظره نکنید چرا که آنها آگاه هستند و جواب شما را می دهند، اما به سراغ جوانان و دانشجویان آنها بروید و در ذهن آنها ایجاد شبهه کنید! اما آنها غافل از این هستند که جوانان شیعه چه طلبه و چه دانشجو با بصیرت و دانایی فراوان نسبت به اعتقادات خود آگاهی کامل دارند. در یکی از این سفرها وقتی دانشجویان برای زیارت ائمه اطهار علیهم السلام وارد قبرستان بقیع می شوند، یکی از مبلغین وهابی به جمع دانشجویان نزدیک شده و با یکی از دانشجویان شروع به سخن گفتن می کند:

وهابی: چرا شما شیعیان مستقیم سراغ خدا نمی روید و امامان معصوم را واسطه قرار می دهید؟ این شرک است!

دانشجو: عجیب است! مگر شما قرآن نمی خوانید؟

وهابی: چرا ما خیلی قرآن می خوانیم.

دانشجو: در سوره یوسف آمده که وقتی برادران یوسف متوجه اشتباه و گناه بزرگ خود شدند، نزد پدر خود حضرت یعقوب رفتند و چنین گفتند: «یا اَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ؛ ای پدر از خدا بخواه گناهان ما را ببخشد که ما خطا کار بودیم»^۱.

و حضرت یعقوب علیه السلام نیز در جواب آنان فرمود: «سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ به زودی از خدای خود برای شما طلب آمرزش می کنم که او آمرزنده و مهربان است».^۲ به راستی اگر توسل به پیامبر یا امام معصوم علیهم السلام شرک است، چرا حضرت یعقوب علیه السلام فرزندان خود را از این کار نهی نکرد و نفرمود: خودتان به سراغ خدا بروید و از من نخواهید که برای شما استغفار کنم؟ و اگر کار آنها اشتباه

۱. سوره یوسف، آیه ۹۷.

۲. سوره یوسف، آیه ۹۸.

بود، چرا خداوند متعال در قرآن آن را مطرح و تأیید فرموده است؟ ما با توسل به چهارده معصوم علیهم السلام به دلیل آن که آنان بندگان شایسته و آبرومند نزد خداوند متعال هستند، در حقیقت به خود خداوند متوسل شده ایم و آنها را تنها واسطه ای میان خود و خدا قرار داده ایم. به همین دلیل می گوییم: «یا وجیهاً عند الله اشفع لنا عند الله؛ ای آبرومند نزد خداوند متعال، ما را نزد خدا شفاعت کن»^۱.

وهابی: شما شیعیان مشرک هستید، چون به ضریح و خاک قبور اهل بیت علیهم السلام تبرک می جوید و آنها را مقدس می دانید!!!

دانشجو: شما که مدعی هستید قرآن می خوانید، مگر در همین سوره یوسف نیامده که حضرت یوسف علیه السلام پیراهن خود را به عنوان تبرک برای پدرش حضرت یعقوب علیه السلام فرستاد و حضرت یعقوب علیه السلام نیز که از فراق یوسف نابینا شده بود، به آن پیراهن تبرک جست و به چشمان خود مالید و شفا گرفت. خداوند متعال حکایت این داستان را چنین نقل می کند: «اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا؛ یوسف به برادرانش گفت: این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم قرار دهید تا بینا گردد»^۲.

و هنگامی که پیام رسان آمد و پیراهن یوسف را بر دیدگان نابینای حضرت یعقوب علیه السلام قرار داد، او بینا شد: «فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا»^۳. به راستی اگر تبرک جستن شرک است، چرا پیامبران الهی چنین کردند و حتی از این تبرک نتیجه هم گرفتند؟

وهابی: استغفر الله استغفر الله!

دانشجو: چرا شما هر وقت کم می آورید استغفار می کنید؟ بروید

۱. قسمتی از دعای توسل به چهارده معصوم علیهم السلام.

۲. سوره یوسف، آیه ۹۳.

۳. سوره یوسف، آیه ۹۶.

قرآن را که کلام خداست خوب مطالعه کنید! مگر اینکه شما قرآن را هم قبول نداشته باشید که دائماً از شرک و مشرک و... سخن می گوئید. در این هنگام، وهابی درمانده و سرافکنده از استدلالهای زیبا و قرآنی دانشجوی آگاه، قبرستان بقیع را ترک کرده و از آن جارفت.^۱

ان شاء الله تعالی، خداوند متعال به حق مظلومیت ذریه پیامبر و اولادستم دیده حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، به زودی، اسلام و مسلمین و به ویژه شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام را از شر این گروه منحرف و متحجر، نجات عنایت فرماید. آمین یارب العالمین

سخن آخر

به امید آنکه تمامی زائران، باقلبی مالا مال از عشق و معرفت، بار سفر زیارتی بسته و با کوله باری از معنویت و دلدادگی بازگردند. ان شاء الله توفیق، رفیق همیشگی زائران باشد.

اللَّهُمَّ لَا تُخَلِّنَا مِنْ تِلْكَ الْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ وَالْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ...

پروردگارا! مرا از آن اماکن گرامی و مشاهد شریف، محروم نکن.

اللَّهُمَّ... وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ وَالْحَقِّنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۲

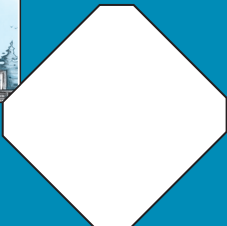
خدایا! مرا به زیارت محل شهادت و قبور آنان مشتاق گردان و مرا به آنان ملحق فرما و در دنیا و آخرت همنشین و همراه آنها قرار بده، ای مهربانترین مهربانان.

آمین رب العالمین

۱. نک: نشریه امام شناسی، شماره ۴، ص ۲.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۵۸.

کتابنامہ



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، امام علی (ع).
۳. صحیفه سجادیه، امام زین العابدین (ع).
۴. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
۵. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضاء (ع)، بیروت، نشر اعلمی، چ ۱، ۱۴۰۴.
۶. شیخ کلینی، الکافی، ۸ جلدی، تحقیق علی اکبر غفاری، دار الکتب الاسلامیه (آخوندی)، چ ۳، ۱۳۸۸.
۷. عاملی، شیخ حرّ، تفصیل وسائل الشیعه، قم، نشر آل البیت (ع)، ۳۰ جلدی، چ ۲، ۱۴۱۴.
۸. عاملی، شیخ حرّ، الفصول المهمه فی اصول الائمه (ع)، قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، چ اول، ۱۴۱۸.
۹. حرّانی ابن شعبه، تحف العقول، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چ ۲، ۱۳۶۳.
۱۰. شیخ صدوق، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۱۱. محقق نوری طبرسی، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، نشر آل البیت (ع)، چ ۱، ۱۴۰۸.
۱۲. مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه وفاء، چ ۲، ۱۴۰۳.
۱۳. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۳۶۵.
۱۴. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، مشهد، نشر بنیاد پژوهش

- های اسلامی، چ ۱۳۷۴.
۱۵. شیخ طبرسی، الاحتجاج، تحقیق سید محمد باقر الخرسان، بیروت، دار النعمان.
۱۶. شیخ مفید، المزار، قم، نشر مؤسسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، چ اول.
۱۷. سید محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین.
۱۸. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دار الحدیث، چ اول.
۱۹. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، قم، دار الکتب، چ ۳، ۱۴۰۴.
۲۰. علامه امینی، محمد حسین، الغدیر، نشر دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۷۹.
۲۱. محمد بن علی طبری، بشاره المصطفی، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۳ ق/ ۱۹۹۳ م.
۲۲. شیخ صدوق، الامالی، قم، بعثت، چ ۱، ۱۴۱۷.
۲۳. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، انتشارات مرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۶ ق.
۲۴. نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۹.
۲۵. قزوینی محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، نشر دارالفکر، بیروت.
۲۶. متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹.
۲۷. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، نشر الثقافه الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۸.
۲۸. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، نشر دار احیاء الکتب العلمیه.

۲۹. شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۶.
۳۰. شیخ طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان، بیروت مؤسسه اعلمی، چ ۱، ۱۴۱۵.
۳۱. محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران.
۳۲. طباطبایی بروجردی، سیدحسین، جامع احادیث الشیعئه، قم، ۱۳۹۹ هـ.
۳۳. عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چ ۴، ۱۴۱۲.
۳۴. ابن حجر عسقلانی، لسان‌المیزان، مؤسسه اعلمی، بیروت، چ ۲، ۱۳۹۰.
۳۵. بیهقی، السنن‌الکبری، دارالفکر، بیروت.
۳۶. ابن حجاج نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر.
۳۷. رجایی، غلامعلی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، نشر عروج، چ ۴، ۱۳۸۵.
۳۸. جلال‌الدین سیوطی، الدرّ‌المنثور، دار‌المعرفه، چ ۱، ۱۳۶۵.
۳۹. فرهنگ فرق‌اسلامی، محمد جواد مشکور، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی ۱۳۸۷.
۴۰. مسعودی، مروج‌الذهب، انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰ ق.
۴۱. تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، نشر علم، تهران.
۴۲. شیعه و زمامداران خودسر، محمد جواد مغنیه، نشر معارف اسلام، تهران،
۴۳. عقد‌الفرید، قرطبی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق،

۴۴. سیره ابن هشام، نشر محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳.
۴۵. مسعودی، مروج الذهب، بیروت، دارالاندلس.
۶۴. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، موسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۳۹۰ هـ.ش، ص ۲۴۹.
۴۷. جعفر مرتضی، سلمان فارسی، ترجمه حسنین، انتشارات اسلامی.
۴۸. رضا مختاری، سیمای فرزندگان، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ هشتم، ۱۳۷۴ ش.
۴۹. علی اکبر مهدی پور، کریمه اهل بیت (سلام الله علیها)، نشر حاذق، قم، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۵۰. الیاس محمد بیگی، فروغی از کوثر، انتشارات زائر، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
۵۱. ابن تیمیة الحرانی، منهاج السنه النبویه، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، مؤسسه قرطبه، چ اول، ۱۴۰۶.
۵۲. نور الدین علی بن أحمد السمهودی، وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۵۳. علی بن عبدالکافی السبکی الشافعی، شفاء السقام فی زیاره خیر الانام، مجلس دائره المعارف العثمانیه، ۱۴۰۲، هند.
۵۴. حاکم نیشابوری، المستدرک، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶.
۵۵. عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، اسراء، قم.
۵۶. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، مرکز نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵۷. محمدی ری شهری، کیمیای محبت، زندگینامه رجبعلی خیاط.
۵۸. ابن تیمیه، الجامع الفرید، کتاب الزیارة، جدّه، دار الاصفهانی، سوم، ۱۳۹۳ ق.
۵۹. نورالدین هیشمی، مجمع الزوائد، دارالکتب العلمیه، بیروت.

۶۰. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، تحقیق مکتب التراث، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ ۱، ۱۴۰۸ و چاپ بیروت، دارصادر، ۱۳۹۹ ه. ق.
۶۱. ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، دارالفکر، چ اول، ۱۴۰۴.
۶۲. رحمانی همدانی، احمد، الامام علی علیه السلام، تهران، نشر منیر، چ اول، ۱۴۱۷.
۶۳. ابراهیم بن محمد الثقفی، الغارات، چ بهمین.
۶۴. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
۶۵. دکتر شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان اموی، چاپ ششم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵ ه. ش.
۶۶. کمونه حسینی، سید عبد الرزاق، آرامگاههای خاندان پاک پیامبر و بزرگان صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
۶۷. ناسخ التواریخ، محمدتقی سپهر.
۶۸. روضاتی، سید محمدعلی، جامع الانساب، انساب و احوال اعقاب ائمه اطهار علیهم السلام، چاپخانه جاوید، اصفهان، ۱۳۳۴ ش.
۶۹. شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، نشر مشعر.
۷۰. یادداشتهای استاد مطهری، تهران، صدرا.
۷۱. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ظهیرالدین مرعشی.
۷۲. نشریه مبلغان، معاونت تبلیغ حوزه های علمیه، قم.
۷۳. ماهنامه کوثر، آستان قدس حضرت معصومه علیها السلام (موسسه زائر).
۷۴. و ...

